

دیدار با استاد حسن انوشه،
سرپرست دانشنامه مازندران
**آن جلسه
مرا عصبی کرد!**



امام جمعه میانرود
**هدفمندی ۲ زندگی را
دردناک می کند**



خانه مطبوعات
به دنبال مدیرعامل جدید
**رستم دهقان
انصراف داد**

شماره بیست و چهارم - چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۱ - ۵ میر ماه ۱۵۲۴ تبری

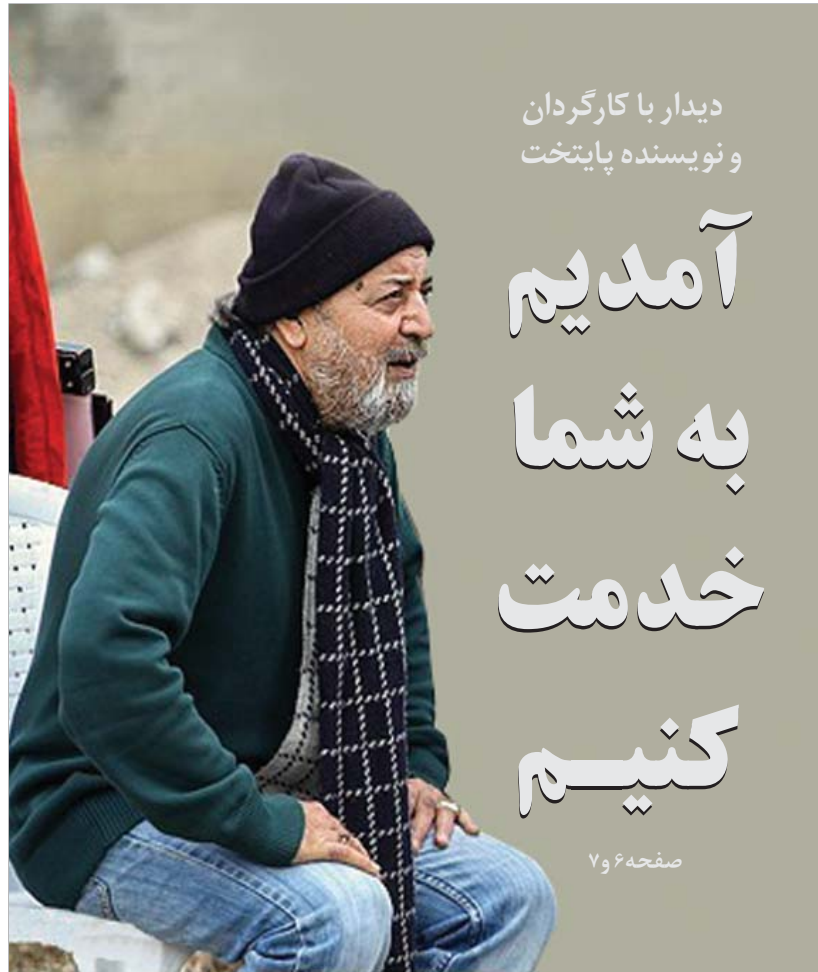
شرح کامل ماجرای مضراب شدن ۴ عکاس خبری استان در سرخورد **جهنمی به نام سرخورد** **این جا انسان شکار می کنند**

با توجه به اعلاناتی که روی برنرها نوشته شده بود، تصور اولیه ما از فضا این بود که وارد مکانی شده ایم که برخوردها فرهنگی و محیط زیستی خواهد بود، اما دقایقی بعد متوجه شدیم تصورمان اشتباهی بیش نیست و این جا انسان شکار می شود و چوب و چماق و خشک مغزی حرف اول را می زند! پیرمردی که حدود ۶۰ سال می نمود و کت و شلوار بر تن و چکمه به پا داشت، از ما پرسید چه کاره ایم و چرا این جا آمده ایم؟

محیط زیست محل تجمع قوها در منطقه سرخورد که را جز اراضی کشاورزی می داند و تاکید می کند: این منطقه مربوط به کشاورزان برنجکار می باشد و به جهت وجود امنیت و فراهم بودن بستر تغذیه، هر ساله قریب به ۴۵۰۰ قطعه قو برای زمستان گذرانی در این اراضی فرود آمده و استقرار می یابند. و در روز حادثه به دلیل برگزاری راهپیمایی نمادین گرامیداشت روز هوای پاک در شهر محمودآباد، محیط بانان در منطقه حضور نداشتند در نتیجه نمی توانستند با خبرنگاران درگیر شوند و زمانی به منطقه رسیدند که درگیری پایان یافته بود.

شرح در صفحه ۸ و ۹

دیدار با کارگردان و نویسنده پایتخت **آمدیم به شما خدمت کنیم**



صفحه ۶ و ۷

تیترا اخبار

پیشنهاد دامادی:
**استقرار
سن ایچ
به جای
سایپا!**



در نامه سرگشاده حسین اسلامی
به وزیر کشور بیان شد:

**سر مردم شیره نمالید که
گلستان سازی کنید**

مدیر کل پزشکی قانونی استان خبر داد

**مرگ بیش از ۶۶۹ نفر در
حوادث رانندگی**

۹ ماه امسال در مازندران

گزارشی از شب نخست کنسرت همایون شجریان در آمل **آینه ها بی قرار تو هستند**

همراهی تنبور، کنترباس، و سازهای کوبه فوق العاده بود. قطعات مهتاب، خداوند اسرار، و جانی و صد آه در بخش اول فضایی جدید را برای مخاطبان صدای همایون شجریان ایجاد کرده بود. در بخش دوم که بدون استراحت گروه شروع شد، تنبور جای خودش را به کمانچه داد تا سهراب پورناظری در فضایی دیگر خودنمایی کند. این بخش در دستگاه نوا اجرا شد. نگار، ساز و آواز، آینه ها، تکنوازی کمانچه، از عشق، ساز و آواز و هفت دریا قطعات این بخش را تشکیل می دادند.

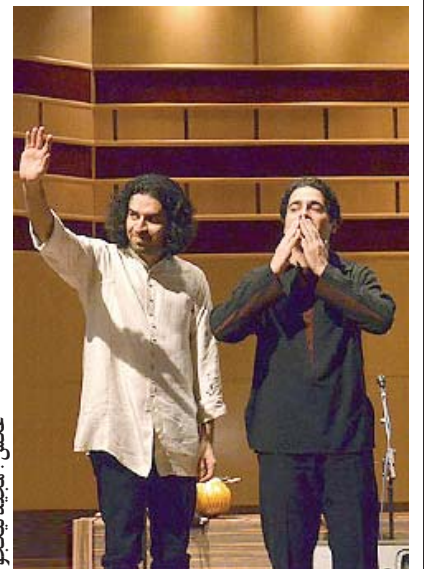
نوازندگانی که همایون را همراهی می کردند، بدین قرارند:

حسین رضایی نیا: دف و سازهای کوبه ای
همایون نصیری: سازهای کوبه ای
اصغر عربشاهی: تار
مهیار طریحی: سنتور
آیین مشکاتیان، فرزند استاد پرویز مشکاتیان: تنبک و کوزه

حمید خوانساری: عود
داریوش آذر: کنترباس
سهراب پورناظری: سرپرست گروه
در این کنسرت هنرمندان مازندرانی حضور کم رنگی داشتند و من فقط علی اصغر رستمی - خواننده - را در میان جمع دیدم.

ناگفته نگذارم که سالن زیبایی اریکه ی آریایی و نظم داخلی آن نکته مثبت کنسرت بود. البته پیدا کردن نشانی اریکه آریایی کار مشکلی بود، به خصوص برای ما که از مرکز استان رفته بودیم، چون حتی یک بنر هم در ورودی آن دیده نمی شد.

در کنسرت همایون شجریان به همه خوش گذشت و شبی خاطره انگیز رقم خورد.



محسن اکبرپور، هنرمند موسیقی سنتی: دوشنبه شب بعد از مدت ها فرصتی پیش آمد تا در مازندران یک رویداد فرهنگی خوب را شاهد باشیم؛ همایون شجریان که اجراهای تازه ی خود را آغاز کرده، در مسیر حرکتش، به مازندران هم سری زد. دیشب آمل میزبان خوب همایون و گروه سیاوش بود. کنسرت در دو نوبت و در شب های دوم و سوم بهمن ماه برگزار می شود. همه چیز حساب شده بود و بی نقص. تهیه کننده این کنسرت، موسسه فرهنگی هنری باربد آمل و محمود رضا روحانی بود. همایون شجریان به همراه سهراب پورناظری و یک گروه کاملاً جوان به آمل آمده بود. بخش اول که زمان کمتری را به خودش اختصاص داده بود، در مقام اصفهان اجرا شد و



از اهل بهشت کرد یادوزخ زشت
این هر سه مرا نقد و ترا نسبه بهشت
تا سبزه ی خاک ما تماشا گه کیست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
جامی و بتی و بریطی بر لب کشت
این سبزه که امروز تماشا گه ماست

گزارش + حاشیه نگاری مازندنومه
از جلسه هم اندیشی و بررسی
مشکلات میاندرود

دامادی: از اجاره نشینی خسته شدم



محمد نامداری با بیان اینکه بخش زیادی از بودجه امسال آب منطقه ای مدیون میاندرود است تصریح کرد: به همین علت امسال به این شهرستان نگاه ویژه شده است. وی ابراز داشت: مجموع اعتبارات ما ۳۰ میلیارد ریال بوده است که از اعتبار ۱۰ میلیارد ریالی اختصاص یافته به این شهرستان سه میلیارد ریال به ساخت آب بندان روستای تازه آباد سیاه اختصاص می یابد و بقیه نیز برای ۲۰ آبنندان دیگر هزینه می شود. نامداری به ساخت سد زارم رود در بخش بالادست ساری هم اشاره کرد و گفت: با ساخت این سد مشکل آب تا ۵۰ سال آینده حل خواهد شد.

از اجاره نشینی خسته شدم

به گزارش مازندنومه، محمد دامادی در این نشست اظهار داشت: ماهیت تشکیل این جلسات بررسی مشکلات و جستجو برای پیدا کردن راه حل برای رفع مشکلات است. نماینده مردم ساری و میاندرود با بیان اینکه این مدیران کل، هر کدام در شهرستانی از غرب تا شرق استان بودند که با خواش و پیشنهاد بنده به اینجا آمده اند تاکید کرد: امیدواریم که این جلسه راه گشا باشد. وی با اشاره به این که بارها مسئولان استان و کشور و همچنین وزرای راه و شهرسازی و دیگر مسئولان را به منطقه آورده و از پروژه ها بازدید کرده اند، افزود: بسیاری از این بازدیدها چراغ خاموش است و گاهی هم رسمی و رسانه ای می شود. نماینده مردم ساری و میاندرود از جذب اعتبار سه میلیارد تومانی برای تعریض و آسفالت روستای اسلام آباد تا چهار راه ورکلا خبر داد و گفت: در تلاش هستیم اعتبارات دیگری را هم جذب کنیم تا بتوانیم مشکلات این محور را حل کنیم. دامادی با بیان اینکه در دوره انتخابات به کسی وعده و وعید ندادم، افزود: اما وقتی مردم ردای نوکری بر قامت من پوشانده اند وعده می دهم و به آن هم عمل می کنم. وی با اشاره به مطرح بودن پروژه سد فینسک در سرشاخه های تجن برای استان سمنان، از پیگیری توقف اجرای مراحل این طرح در خانه ملت خبر داد و افزود: تاکنون ۱۱ امضا برای توقف این طرح جمع شده است و باید این طرح متوقف شود وگرنه ابتدا موجودیت سد شهید رجایی تهدید می شود. وی اشاره به تهدیداتی که کم آبی و مسائل زیست محیطی کشاورزی و حیات مازندران را تهدید می کند، تصریح کرد: باید با تدبیر مناسب این روند را متوقف کرد. عضو خانه ملت با اشاره وعده گشایش دفتر ارتباط مردمی در این شهرستان گفت: از اجاره نشینی خسته شدم، در تهران و ساری مستاجر، برای سه مکان اجاره بها پرداخت می کنم و دیگر واقعا توان پرداخت اجاره بها برای دفتر در میاندرود را ندارم و پیشنهاد می دهم مسئولان شهرستان دفتری را در اختیار بگذارند تا این امر هم محقق شود.

طرح هادی ۳۰ روستا مصوب شده است

سیدمجید هاشمی مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران در این نشست گفت: مازندران بیش از ۳۲۰۰ روستا دارد که در بیش از ۱۷۰۰ روستا طرح هادی ارائه شده است. ش.ش از ۱۲۰۰ روستا طرح های هادی انجام و در مابقی هم کار در حال بررسی است که در بسیاری از روستاها نیز تدوین طرح هادی از ده سال گذشته و طرح در دوره بازنگری قرار دارد. هاشمی گفت: از ۴۹ روستای میاندرود طرح هادی ۳۰ روستا مصوب شده است و در چند روستای دیگر از جمله، پیله کوه، سیاه چنار و عزت الدین و... هم طرح در حال بررسی در کارگروه شهرسازی است. وی ابراز داشت: تاکنون در حدود ۱۸ درصد اعتبارات استانی جذب شده است که پیش بینی می شود تا پایان سال این رقم به ۶۰ یا ۷۰ درصد برسد.

مجموع اعتبارات ما ۳۰ میلیارد ریال بود

معاون آب منطقه ای استان هم از اختصاص ۱۰ میلیارد ریال اعتبار برای توسعه و احیای آب بندان ها در دو بخش مرکزی و گهرباران خبر داد.

کارهای خوبی در میاندرود انجام شده، افزود: احداث پل ارتباطی بین گهرباران و ساحل فرح آباد نیازمند ۴ تا ۵ میلیارد تومان اعتبار است که برای شروع، یک میلیارد به اینکار اختصاص یافته است. اسد با بیان اینکه چندین سال است که پیگیری اجرایی شدن این طرح هستیم، افزود: مطالعات اولیه این طرح در زمان زارعی - فرماندار سابق ساری - با ۵۰ میلیون تومان اعتبار اولیه انجام شده بود. این مسئول همچنین به تحقق ۱۴ درصدی اعتبارات سال ۹۱ اشاره کرد و گفت: اداره راه و شهرسازی ۵۰ میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار است و بیش از ۱۱۰ پروژه هم به حالت زخمی معلق مانده است. قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در استان از اختیارات تام نماینده خود در شهرستان خبر داد و ابراز داشت: ما در شهرستانی که نمایندگی داریم همان اختیارات و امکاناتی را تفویض کرده ایم که به ادارات دیگر در سایر شهرستان ها این اختیارات را داده ایم، منتها چون در میاندرود تازه این امر محقق شده است امیدواریم تا با تلاش فرماندار و مسئولان از بودجه سالانه تجهیزات و امکانات مورد نظر را تامین کنیم.

حاشیه ها

بعد از پایان سخنرانی اسد مدیرکل راه و شهرسازی، عمرانی - رییس شورای بخش مرکزی - با اعتراض به او و خطاب به دامادی گفت: پس جاده دسترسی به روستاهای بالادست چه شد؟ که این موضوع به دستور اسد به نماینده راه و شهرسازی شهرستان در دستور پیگیری قرار گرفت.

در هنگام سخنرانی نامدار معاون آب منطقه ای هم عده ای از مردم و از جمله عمرانی رییس شورای بخش مرکزی - اعتراض خود را نسبت به واگذاری بیل مکانیکی جهت لایروبی آنها در روستای زید سفلی و علیا اعلام داشتند که نامدار گفت: بنده واقعیت را گفتیم و اگر حقیقت نداشت مطرح نمی کردم که این موضوع به جدل دو جانبه بین عمرانی و وی منجر شد که دامادی گفت: این وسط شما می گوید بیل مکانیکی آمده اما مردم می گویند بیل نیامده است معلوم نیست این وسط بیل کجاست بعدا میگویم دامادی بیل رو خورده!

عمرانی بار دیگر اعتراض خود را نسبت به نبود تدبیر مسئولان در پرکردن آنها در بخش تعریض محور اسلام آباد تا چهارراه ورکلا اعلام ائت و گفت: آقای دامادی بنده یک روز بارانی میام دنبال شما، شما بیا ببین اینجا چه خبره! مردم هزار نوع حرف بی ربط به من می زنند و شما می گویی آقای اسد... آقای اسد ره کک گاز نیننه! مردم شه بمرین این سیل دله! دامادی در پاسخ به این اعتراض گفت: آقای اسد و آقای نامدار همین فردا این بیل را برای بازگشایی مسیر آب به بخش بفرستید وگرنه این آقای عمرانی تا تهران میدان دنبال ما... من تازه امشب تو این سرما باید بروم تهران....

دامادی در بخشی از سخنان خود گفت: بنده اهل وعده و وعید انتخاباتی و ته خسته تن ره بلاره و این مسایل نیستیم اگر وعده ای دادم حتما عمل می کنم.

نماینده ساری و میاندرود در اعتراض به سد فینسک و تهدید سد شهید رجایی هم ابراز داشت: سد شهید رجایی حق آب و گل پدرم است و اجازه نخواهم داد کسی به حقوق مردم ساری و استان تجاوز کند.

وی ادامه داد: در صورتی که این کار محقق نشود آب منطقه را با تمام نیروهایش زیر سوال خواهیم برد و این موضوع را کاملا جدی عرض می کنم!

جلسه هم اندیشی و بررسی مشکلات شهرستان میاندرود به همت دفتر محمد دامادی - نماینده مردم ساری و میاندرود - عصر یکشنبه این هفته در مسجد جامع روستای زید علیا برگزار شد. در این جلسه که جمعی از مدیران کل دستگاه های اجرایی، معاونان، فرماندار، بخشداران و دهیاران روستاهای منطقه حضور داشتند، ابتدا مسئولان گزارشی از عملکرد خود در شهرستان ارائه و سپس خواسته ها و مطالبات مردمی عنوان شد.

آقایان فقط وعده دادند

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این جلسه سلمان حمیدی تبار - رییس شورای بخش گهرباران - به کاستی های موجود در بخش گهرباران و تعریض نشدن این محور اشاره کرد و گفت: متأسفانه علی رغم وعده مسئولان، هیچ کار خاصی در این مورد صورت نپذیرفته است.

سیدصادق عمرانی - رییس شورای بخش مرکزی - هم در سخنان خود به وعده مسئولان ورجبی - فرماندار سابق - در خصوص احداث و آسفالت جاده بالادست اشاره کرد و گفت: آقایان فقط وعده دادند اما کار خاصی در این زمینه انجام نشده است و ما نمی دانیم وقتی به روستاهای بالادست می رویم چگونه باید جواب مردم را بدهیم؟ وی همچنین به سیل خیز بودن منطقه اشاره کرد و گفت: در روستاهای بخش مرکزی هر بار با این معضل روبرو هستیم اما کماکان کار خاصی انجام نمی شود.

علی اکبر قاسم زاده - رئیس شورای بخش شهرستان - در این مراسم اظهار داشت: بس که ما مشکلات را مطرح کردیم دیگر سخنان مان تکراری شده است. وی گفت: در چهارراه آزادگان با دستور و بازدید وزیر راه و ترابری وقت - آقای دکتر بهبهانی - مصوب شد که میدان احداث شود اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. قاسم زاده از بلاتکلیفی زیرگذر سورک هم گفت و تاکید کرد: پل ارتباطی بین دو منطقه گهرباران و فرح آباد از دیگر طرح های مطالعاتی روی زمین مانده است که ۵۰ میلیون تومان در فاز اول برای مطالعه آن هزینه شده است.

میاندرود جا برای کار زیاد دارد

ذات الله زارعی - فرماندار میاندرود - هم در این مراسم با اشاره به استعداد فوق العاده منطقه در راه توسعه و پیشرفت تصریح کرد: با عنایت به تازه تاسیس بودن شهرستان باید توجه داشت که لازمه پیشرفت داشتن برنامه راهبردی در این مورد است. وی با تاکید بر لزوم ظهور و بروز استعدادهای منطقه میاندرود و تعامل با همه نیروهای توانمند منطقه ابراز داشت: میاندرود جا برای کار زیاد دارد. زارعی با اشاره به جاده گهرباران و تردد وسایل نقلیه باربری در این محور عنوان کرد: تعریض این جاده ضروری به نظر می رسد و در تلاش هستیم تا با پیگیری مشکلات بتوانیم این کار را به نتیجه برسانیم. وی همچنین از نبود اختیارات کافی نمایندگان دستگاه های اجرایی در شهرستان خبر داد و گفت: متأسفانه در بسیاری از موارد استقرار ادارات در حد نمایندگی است و مسئولانی که به این کار گماشته شده اند اختیارات قابل ملاحظه ای ندارند.

اداره راه و شهرسازی ۵۰ میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار است

در ادامه این جلسه اسد مدیر کل راه و شهرسازی استان، هاشمی ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران، نامدار معاون آب منطقه ای و چند تن از مسئولان دیگر استانی از روند پیشرفت طرح های خود در میاندرود گزارشی ارائه کردند. مدیرکل راه و شهرسازی استان با بیان اینکه

نیاز آذری
دبیر مجمع نمایندگان شد

حسین نیاز آذری نماینده مردم شهرستان بابل در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی به عنوان دبیر جدید مجمع نمایندگان استان مازندران انتخاب شد. دبیر جدید مجمع نمایندگان مازندران گفت: برنامه های دور جدید مجمع طی کنفرانس خبری به اطلاع مردم استان مازندران خواهد رسید. وی با بیان این که دفتر مجمع نمایندگان در مرکز استان دایر خواهد شد، افزود: پیگیری مسائل کلان استانی و تبادل نظر با نخبگان، صاحب نظران، سرمایه گذاران و فعالان بخش خصوصی، مجامع و تشکل های های صنفی، رسانه های گروهی و مدیران با شتاب و گستره بیشتری در دستور کار مجمع قرار خواهد گرفت. پیش از این عزت الله یوسفیان ملا دبیر مجمع نمایندگان استان مازندران بود.

جشنواره فیلم و عکس نماز
در ساری برگزار می شود

پنجمین جشنواره فیلم و عکس نماز و نیایش با هدف اعتلای جایگاه والای نماز و نیایش و گسترش فرهنگ نماز دوم تا پنجم بهمن در ساری برگزار می شود. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران گفت: این جشنواره توسط انجمن سینمای جوانان ایران دفتر ساری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران و با همکاری نمایندگی آفرینش های هنری استان قدس رضوی برگزار می شود.



حجت الاسلام عباسعلی ابراهیمی افزود: این جشنواره همزمان با ۳۰ استان در روز دوشنبه دوم بهمن ماه ساعت ۱۴:۳۰ در مجتمع اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران آغاز به کار خواهد کرد. وی افزود: همچنین حضور طهماسب صلح جو یکی از منتقدان برجسته سینمای ایران در بخش جنبی جشنواره و برگزاری کارگاه تخصصی "چگونگی نقد و تحلیل فیلم در سینما" از دیگر برنامه های این جشنواره است. ابراهیمی افزود: در این جشنواره ۱۵ سانس فیلم کوتاه روزانه در ۳ سانس به نمایش گذاشته خواهد شد. همچنین ۵۷ عکس در معرض دید علاقه مندان قرار خواهد گرفت. وی از دیگر اهداف برگزاری این جشنواره را به کارگیری ابزارهای هنری برای ارائه آفرینش های جذاب در حیطه موضوعات دینی و پرداختن به امر معنوی نماز و نیایش عنوان کرد. جشنواره ملی نماز و نیایش به منظور تشویق و ترغیب هنرمندان در راستای اعتلای جایگاه والای نماز و نیایش، گسترش فرهنگ نماز و نماز خوانی، تقویت مبانی فرهنگ عمومی مبتنی بر باورها و ارزش های دینی هر دو سال یک بار برگزار می شود.

پیشنهاد دامادی:

استقرار سن ایچ به جای سایپا!



ماشین یا آب میوه؟

کلنگ زنی کارخانه سایپا شمال با حضور معاون اول رئیس جمهور

محمد دامادی نماینده مردم ساری و میاندرو در گفتگو با خبرنگار مازندنامه اظهار داشت: به نظر من در مازندران و منطقه باید صنایع تبدیلی استقرار یابند. وی در خصوص تبدیل سردخانه به کارخانه بستنی سازی میهن گفت: بنده با این موضوع مخالفم و اعتقاد دارم باید با از بین رفتن سردخانه ها ممانعت شود چرا که با انجام این قبیل کارها محصولات کشاورزی از بین خواهد رفت. دامادی استقرار سایپا شمال را در منطقه نادرست قلمداد کرد و گفت: همین الان در کارخانه خودرو سازی بابل مراحل رنگ انجام نمی شود. وی ادامه داد: به دلیل رطوبت بالای منطقه این کار در مازندران با مشکل مواجه است و به همین دلیل اکنون ماشین ها مجدد به تهران فرستاده رنگ آمیزی شده و دوباره به بابل جهت مراحل پایانی باز می گردد. عضو مجمع نمایندگان مازندران با بیان اینکه استقرار سایپا شمال در این منطقه از اساس کار اشتباهی است و بنده دلایل زیادی هم برای این مطلب دارم افزود: در حال مذاکره هستیم تا با چند وزیر و سرمایه گذار در خصوص استقرار کارخانه سن ایچ در این مکان توافق کنیم. به گزارش مازندنامه بیان این مطالب در حالی است که جمعه هفته قبل، شجاعی نماینده دیگر ساری و میاندرو در خطبه های نماز جمعه در سورک از مذاکرات جهت پیگیری استقرار سایپا شمال در منطقه خبر داده بود.

لازم به ذکر است بحث پیگیری و مجوز احداث این کارخانه در منطقه گهر باران در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی دست مایه تبلیغات گسترده ای شد و وعده و وعیدها در خصوص استقرار و ایجاد اشتغال در منطقه و توسعه بخش گهر باران موضوعاتی بود که نامزدهای انتخابات به تفصیل درباره آن سخن گفته بودند.

رجبی فرماندار سابق میاندرو هم بارها از راه اندازی و حل مشکلات مربوط به خرید زمین کارخانه سخن گفته بود اما علی رغم گزارش های مکرر به رسانه ها این موضوع مغفول و معلق ماند و اکنون هم که دامادی به کل ریشه این موضوع را خشکانده است. رجبی با تمام وعده و وعیدهایش به فرمانداری نکا رفت، شجاعی کماکان وعده می دهد و دامادی هم با انتقادهای تندش قصد تبدیل کردن صنعت خودرو با صنعت تبدیلی (سن ایچ) را دارد.

درخواست مردن از مسئولان استانی و در راس استاندار محترم مازندران در مورد این موضوع این است که تعیین تکلیف بفرمایند که بالاخره احداث سایپا شمال در دستور کار است یا شرکت سن ایچ؟!

خانه مطبوعات به دنبال مدیرعامل جدید

دهقان انصراف داد

شنیده های مازندنامه حاکیست رستم دهقان - مدیرعامل پیشین خانه مطبوعات مازندران - که پس از انتخابات آذرماه گذشته مجمع عمومی خانه مطبوعات، بار دیگر به سمت مدیرعاملی این خانه انتخاب شده بود، روز دوشنبه این هفته انصراف خود را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش، انتخاب دهقان در این دوره با هم فکری سه تن از اعضا و حمایت دو عضو دیگر صورت گرفت. این درحالیست که ایرج نیاز آذری - عضو هیئت مدیره - رای ممتنع داده بود و خانگی - دیگر عضو هیئت مدیره - خود کاندیدا شده بود.

پس از انتخاب شتاب زده دهقان، بازرسان خانه به خاطر مدرک تحصیلی او پی گیری ها و استعلاماتی انجام دادند و در نهایت شنیده شد که امروز رستم دهقان به دلیل آن چه خود مشغله کاری و کسالت عنوان کرد، ضمن تشکر از اعتماد هیئت مدیره، انصرافش را اعلام کرد.

مدیرعامل جدید خانه مطبوعات مازندران در نشست های روزهای آینده اعضای هیئت مدیره تعیین خواهد شد که امیدواریم به دور از شتاب زدگی و تصمیم هایی که تالی فاسد دارد، بهترین گزینه انتخاب و فردی با برنامه و پراورزی به این سمت گمارده شود.



امام جمعه میاندرو

هدفمندی ۲ زندگی را دردناک می کند

سیدمجتبی رسولی در خطبه های این هفته نماز جمعه میاندرو اظهار داشت: حضور ریاست محترم جمهور در مجلس کار بسیار خوب و پسندیده ای بود. وی با بیان اینکه این نشست ها بین مسئولان جهت بیشتر شدن وحدت و همدلی لازم است، افزود: قطعاً این نشست باید طرفینی باشد. رسولی ادامه داد: باید بیابند بگویند و بشنوند تا راه حل پیدا شود و گرنه با سخن یکطرفه همدلی و وحدت به دست نمی آید و اینکه رییس جمهور در مجلس حاضر شود و حرف خود را بزند و برود مشکلی را حل نمی کند. خطیب نماز جمعه میاندرو ضمن اشاره به اجرای مرحله اول طرح هدفمندی یارانه ها ابراز داشت: در اصل اجرای هدفمندی کسی بحثی ندارد. وی ادامه داد: قرار بود با پرداخت یارانه ها، توان اقتصادی مردم بالا برود اما در طول این مدت مبلغی به مردم داده شده است و تورم هم چند برابر اضافه شده است که اصلاً با هم برابری نمی کند. رسولی در تشریح این مطلب افزود: اگر یارانه داده نشود و تورم و قیمت ها هم بالا نرود هیچ کس توقعی ندارد و حرفی نمی زند و بالطبع اعتراضی هم نمی کند اما اکنون مبلغی به جیب مردم ریخته می شود و چند برابر آن را از جیب دیگر مردم خارج می شود. وی گفت: برای مثال در بحث حامل های انرژی چندین برابر قیمت قبل از مردم هزینه در یافت می شود، در حالی که مبلغ اندکی به مردم پرداخت شده است. این کجای عدالت است؟ رییس شورای فرهنگ عمومی میاندرو اظهار داشت: باید حقوق ها و دستمزدها به نسبت تورم بالا می رفت و بر اساس قانون، عقل و منطق نرخ رشد تورم باید شیب ملایمی داشته باشد که اصلاً این اتفاق نیفتاده است و در اجرای مرحله اول هدفمندی یارانه ها کمر مردم خم شده است. رسولی با بیان اینکه وعده و وعیدهایی به مردم داده شده است که قرار است قیمت یارانه پنج برابر شود افزود: با اینکار پدر مردم در خواهد آمد چرا که با اینکار قیمت های اجناس تا بیش از ده برابر افزایش خواهد یافت. وی ادامه داد: این یارانه ها باید به بخش تولید، کشاورزی و صنعت داده شود تا مشکلات حل شود و اگر این روند ادامه یابد طاقت مردم طاق شده و مشکلی بوجود خواهد آمد که جمع کردن آن کار بسیار دشواری خواهد بود.

تأمین اعتبار
کار دشواری است

سیدرمضان شجاعی کیاسری نیز در سخنرانی پیش از خطبه های این هفته شهرستان میاندرو ابراز داشت: تأمین اعتبار کار بسیار مشکل و دشواری است. وی با بیان اینکه دولت در حال حاضر در تأمین اعتبار پروژه های عمرانی در مضیقه است، افزود: با این وجود ما از تمام ظرفیت ها برای جذب سرمایه و اعتبار به شهرستان میاندرو استفاده می کنیم. عضو مجمع نمایندگان مازندران با اشاره به پیگیری های خود در خصوص استقرار شرکت سایپا شمال و ایران خودرو در منطقه گفت: در تلاش هستیم تا وعده های مسئولان و وزرا در این خصوص و همچنین در راستای تعریض جاده های منطقه عملی شود.

یک روز تلخ در آزمایشگاه آزمایشگاه های تشخیص پزشکی، یار شاطر یا بار خاطر؟

زمان: هشت و نیم صبح روز
پنجشنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۹۱
مکان: بیمارستان شهدای بهشهر
علت مراجعه: نمونه برداری

محمد عظیمی:
lazimi41@gmail.com



در آزمایشگاه تشخیص پزشکی، سالن آزمایشگاه مملو از جمعیت است و جایی برای نشستن وجود ندارد. برخی از مراجعان از ساعت چهار صبح برای نام نویسی و گرفتن نوبت آمده اند. صدای گریه کودکان در آغوش مادران شان حکایت از بی تابی و فضای سنگین آزمایشگاه دارد. تعدادی از مراجعان از روستاهای دور و نزدیک آمده اند. زنی از اعلام نداشتن برخی از آزمایش ها در این مکان معترض است و می گوید از صبح زود تا الان معطل شده ام و حالا می گویند این نوع آزمایش را نداریم. خانمی نگران نرفتن به اداره است و خواهش می کند در صورت امکان کارش زودتر انجام شود تا به علت تاخیر ساعتی، ناچار به مرخصی روز کاری اش نشود. کسانی بدون نوبت و براساس آشنایی می آیند و نمونه گیری می شوند. اعتراض هم به جایی نمی رسد. مرد نمونه گیرنده عصبانی است و برخورد تندی دارد. بالاخره صدایش می کنند. مرد با سرنگی آماده در دست به بیمار می گوید که دو نمونه از آزمایش های شمارا نداریم. بیمار می گوید که پس من تمام آزمایش ها را در مرکزی دیگر انجام می دهم. مرد نمونه گیر می گوید که حالا نداریم و بی درنگ و اجازه، سرنگ را در درون رگ دست بیمار فرو می کند. بیمار معترض است که آقا پس من دو تست دیگر را چه کنم؟ مرد می گوید که حالا خونت را گرفتم نمی خواهی برو. زن تصمیم می گیرد که از فرد مزبور نزد رئیس بیمارستان شکایت کند. در نهایت فرمی را پر می کند و شکایتش را می نویسد و می رود. برکه ای آزمایشش از دفترچه بیمه کنده شده و حالا باید دوباره به پزشک مراجعه کند تا دوباره برایش آزمایش بنویسد و لابد دوباره باید ویزیت بدهد و دوباره معطلی و نگرانی از بیماری. با توجه به اینکه اکثر بیماران در هراس از بیماری دیابت و چربی خون هستند و بخش فراوانی از جامعه مبتلا به دیابت عصبی می باشند با این برخوردهای ناشایست، میزان قند خون شان بالا رفته و نتیجه آزمایش ناشی از استرس و توهین، غیر واقعی خواهد بود و در نتیجه پزشک براساس اعداد اعلام شده، دارویی تجویز خواهد کرد که با واقعیت بیماری منطبق نیست و هیچکس پاسخگوی عوارض پیش آمده نخواهد بود. در این اتفاق مقصر کیست؟ بیمار یا متصدی نمونه برداری؟ سازمان تامین اجتماعی یا بیمارستان؟ اگر کسی بخواهد از خدمات دولتی استفاده کند و بابت آن حق بیمه پرداخت می کند باید اینگونه توهین ها را تحمل کند؟ بنرهای ریز و درشتی که در بیمارستان ها با عنوان "منشور حقوق مراجعان به آزمایشگاه های تشخیص پزشکی" نصب شده است، برای کیست؟ آیا این یک کار تبلیغاتی است یا به مسئولان مربوطه آموزش داده شده است؟ چرا کسی به آن عمل نمی کند؟ چرا سطح خدمات پزشکی متناسب با میزان مراجعه کنندگان نیست؟ واقعا چه کسی پاسخگوست؟ چه تعداد از افراد مراجعه کننده در قبال این برخوردها سکوت می کنند و یا از روش های قانونی احقاق حق خود بی خبرند؟ چرا نباید با این سطح از مراجعه کننده، مکانی برای بررسی نسخ و اعلام وجود و یا نبود انواع آزمایش ها وجود داشته باشد تا از اتلاف وقت افراد جلوگیری نمود؟ چرا یک آزمایشگاه کامل و مجهز دولتی نداریم؟

در منشور حقوق مراجعان به آزمایشگاه های تشخیص پزشکی که با شماره ۳۰۷/۵۶۷ د به تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۲ از طرف معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر شده، آمده است که: توجه به حفظ حقوق و رعایت کرامت انسانی مراجعین و گیرندگان خدمات آزمایشگاه ها از جمله اولویت ها و ضرورت هایی است که به موازات استقرار سیستم های مدیریت کیفیت می تواند تاثیر بسزایی در افزایش رضایتمندی مراجعین و نیز کار آیی مراکز آزمایشگاهی داشته باشد.

● دریافت خدمات آزمایشگاهی به نحو شایسته حق مراجعین است. خدمات آزمایشگاهی باید به گونه ای ارائه شود که: ... بر پایه صداقت، انصاف، ادب و همراه با برخورد مناسب باشد.

● براساس نظم و انضباط، وجدان کاری و پرهیز از هرگونه سهل انگاری باشد. عادلانه و فارغ از هرگونه تبعیض ناروا از جمله جنسیتی، قومی، فرهنگی، مذهبی و نوع بیماری باشد.

● زمان انتظار مراجعین در حوزه پذیرش و گزارش دهی متناسب و تعریف شده باشد. حق انتخاب و تصمیم گیری آزادانه مراجعین در دریافت خدمات آزمایشگاهی باید محترم شمرده شود.

● انتخاب آزمایشگاه برای انجام آزمایشات مختلف، بطوریکه آزمایشگاه وظیفه اخلاقی خود می داند که از هرگونه فعالیت غیر حرفه ای و غیر اخلاقی جهت جلب مراجعین و بیماران به آزمایشگاه خودداری نماید.

● هر فرد حق دارد در صورت ادعای نقض حقوق خود که موضوع این منشور است، بدون اختلال در کیفیت دریافت خدمات سلامت به مقامات ذیصلاح شکایت نماید.

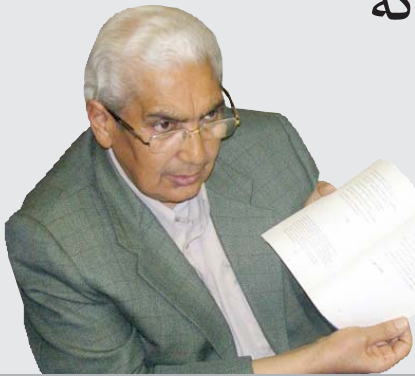
● افراد حق دارند از نحوه رسیدگی و نتایج شکایت خود آگاه شوند. خسارت ناشی از خطای ارائه کنندگان خدمات باید پس از رسیدگی و اثبات خطا، مطابق مقررات در کوتاه ترین زمان ممکن جبران شود.

ماخذ: <http://ta.mui.ac.ir/images/stories/AZMAYESHGAH/manshor.pdf>

امیدواریم مسئولان مربوط در شهرستان بهشهر و اداره کل معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استان مازندران با کنترل دقیق، نظارت بر خدمات آزمایشگاهی و جلوگیری از عواقب ناشی از برخورد غیرمسئولانه، به وظایف انسانی، شرعی و قانونی خود عمل نمایند و از تضییع حقوق قانونی شهروندان جلوگیری به عمل آورند.

در نامه سرگشاده حسین اسلامی به وزیر کشور بیان شد:

سر مردم شیره نمالید که گلستان سازی کنید



حسین اسلامی - پژوهشگر و نویسنده ساروی و رییس مرکز ساری شناسی - در نامه ای سرگشاده به وزیر کشور، نسبت به احتمال تجزیه استان مازندران هشدار داد. متن نامه او که نسخه ای از آن برای مازندنومه نیز ارسال شده به این شرح است:

وزیر محترم کشور
باسلام

گویا یک نفر که خیلی دلبستگی به بهارستان پیدا کرده و شناسنامه اش مازندرانی و یک عنوان نمایندگی را هم یدک می کشد در تلاش تجزیه مازندران است. صد البته بعضی از آدم های زیاد آدم مانده!! برای حفظ منافع شخصی، نه به مردم نه به کشور و نه به شهر و دیارشان رحم می کنند، آنها فقط پست و مقام می خواهند. مادر شهر ساری یک سرباز خانه بی سرباز داریم که کارخانه ی تولید رای و نماینده سازی است. حالا در قلب مازندران یک کارخانه جدید روی دست سرباز خانه ساری بلند شد. یک کارخانه رقص شوم جدائی طلبی و تجزیه استان در غرب مازندران که قلب مازندران است به وسیله سیاسیون تازه به دوران رسیده فقط برای رای سازی طراحی شد. در این حرکات موزون فقط همان طراح، خودش بازی می کند. یادتان باشد، مازندران نه تنها تجزیه نخواهد شد که مادر مازندران غیر از چند نفر آدم، میلیون ها انسان مازندرانی داریم، اینها خیلی زود از آدمیت به انسانیت رسیدند. آقای وزیر کشور، این انسان های مازندرانی نه در فکر تجزیه مازندران و نه سینه زن این نویسیایون عشق ریاست هستند. مادر فکر انسجام بخش های از دست رفته مازندران هستیم. ما برنامه داریم که مازندران را در جایگاه طبیعی و فرهنگی خودش داشته باشیم، تمام آبرو و حیثیت و داشته های مازندران در دست چند آدم مازندران فروش نیست. آقای وزیر کشور، چشم این فتنه را کور کنید، مشکل مازندران با تجزیه حل نمی شود. ما یک فرزند از ایران بزرگ اسلامی هستیم، چرا می خواهید این فرزند را فلج کنید، دست و پایش را چرا قطع می کنید؟ چشم این فرزند شایسته ی ایران بزرگ اسلامی را چرا کور می کنید؟ مگر میلیون ها انسان مازندرانی باید خسارت هوس های (...). یک دو نفر آدم عاشق مجلس و ریاست و میز و منصب را بدهند؟ ما هنوز زخم های عمیق استان سازی های جعلی جنوب و شرق و شمال از خاک مازندران را در تن داریم، تهران هم بی جافرمود که تا گدوک پای بی ادبی خود را در خاک مازندران دراز کرد. سمنان هم خیلی بی جا کرد که شعر "همسایه ها یاری کنید تا من شوهر داری کنم"، را در مازندران سرود. باز سر مردم شیره نمالید که گلستان سازی کنید. آقای وزیر کشور، ما با تمامیت ارضی ایران و تمامیت ارضی مازندران با کسی شوخی نداریم. آقای وزیر کشور، ناتوانی دولت ها و ضعف مزمن مدیریت اداری و حواس پرتی بعضی نمایندگان مازندران در هنگام تصویب لایحه بودجه و سر گرمی آنان در شگردهای هادر روستاها برای رای سازی را با پاره پاره کردن و تجزیه جبران نکنید، این تجزیه بازی یک فرار از ناتوانی های مزمن مدیریت اداری کشور است. شما هم می دانید، مردم ما هم می دانند، مشکل در ضعف مدیریت است، چرا مردم را دچار تفرقه و جدائی و دعوای خاله زنی می کنید؟ حق مسلم مازندران را بدهید، فرض کنید که ما نماینده از مازندران نداریم، انصاف شما و دولتمردان کجاست؟ خدا دست آن نماینگانی را که در مجلس در زمان میر حسین موسوی مازندران را منطقه ممنوعه صنعت کردند بشکند. خدا از همان میر حسین نگذرد که مازندران بیچاره شده دولت اوست. دلارهای هفت تومانی ما را به کجاها نبردند که می خواستند مازندران را قطب کشاورزی و گردشگری کنند. حالا تصدق سر کشاورزان مازندرانی همین دیروز صد و بیست هزار تن برنج وارداتی به بازار آمد و همه ی گردشگری ما شد که بفرمائید، ویلا داریم، در ویلا هزار کوفت و زهر مار داریم! آقای وزیر کشور، لطف کنید یک روز برای آقای میر حسین موسوی مرخصی بگیرید تا ببیند که چه تخم لقی در مازندران کاشتند، استان گردشگری هر روز شاهد ویرانی آثار ملی ثبت شده اش است. تمام ایران دگرگون شد، ساخت و ساز و آبادانی است، پس مازندران را چرا یاد نمی کنند؟ آقای وزیر کشور، به این آقای رئیس جمهور هم بفرمائید منت بگذارند به مازندران نیایند، چون هم اکنون چند راس گاو و گوسفند در غرب مازندران آماده کردند که زیر پایش قربانی کنند که اگر آقا جوگیر بشوند و در داخل همان ماشین فرمان بدهند (بشود)، آن وقت ما را به جان هم می اندازند و باز هم تکرار می کنم که این بازی را نه مردم مازندران که فقط چند نفر با تشکیل یک دسته از آدم های جو ساز و آتش بیار معرکه که پول می گیرند سینه می زنند، درست کردند.



دیدار با استاد حسن انوشه، سرپرست دانشنامه مازندران

آن جلسه مرا عصبی کرد!

علی صادقی
سردبیر مازندنامه

پس از انتشار دو مطلب مازندنامه درباره دانشنامه مازندران که بازتاب زیادی بین مخاطبان و محافل علمی و رسانه ای استان داشت. استاد حسن انوشه به واسطه دکتر علی رضوانی پاچی - رییس دانشگاه فرهنگیان مازندران - پیغام فرستاد تا به ملاقاتش بروم. صبح جمعه ۲۹ دی ماه در دانشگاه فرهنگیان مازندران با استاد و همکارش - آقای خدابنده - دیدار کردم. ساختمانی را به او و همکارانش اختصاص داده اند که چند میز و صندلی و چند قفسه کتاب که جزو منابع دانشنامه بود، آن جا وجود داشت. به اضافه یک دستگاه رایانه که از قرار هنوز نتوانسته بودند اینترنت را در آنجا راه اندازند!

خدابنده - همکار جوان استاد - اهل قم بود، به او گفتم من و استاد انوشه مازندران حرف می زنیم. خندید و گفت: راحت باشید، این جا همه مازندران حرف می زنند!

برای استاد شکر سرخ تعارفی بردم که حاصل زحمت روز گذشته یکی از اقوام بود، اما روی میزش تکه ای شکر قرمز دیدم که از قرار قبل از من برای شان آورده بودند.

خوش وبش که تمام شد به استاد گفتم: "گمان کنم با برخورد هایی که به صورت کامنت زیر دو مطلب مربوط به دانشنامه آمده، فضای کاری آینده دست تان آمده! متوجه شدید که این جا تهران نیست استاد، مازندران است!"

منتظر توضیح انوشه نشدم و پرسیدم: چرا فقط ۱۰۷ عنوان موضوع؟ این برای دانشنامه کفایت می کند؟

۱۰۷ مورد سرفصل ها و موضوعات اصلی است و در نهایت شاید ۲ هزار موضوع از این موضوعات کلی، خرد و به صورت مقاله ارئه شود - انوشه گفت.

- در چه تاییمی کار تمام می شود؟
- حداکثر ۳ تا ۳/۵ سال، اما دل مان می خواهد زودتر تمام شود.

پرسیدم: برای غرب استان چه کرده اید؟
گفت: برخی موضوعات را برای غرب مازندران تعیین کرده ایم. با تعدادی از پژوهشگران آن مناطق نیز صحبت کرده ایم که بیایند همکاری کنند و سفارش مقاله داده ایم. شما از طرف ما به پژوهشگران و محققان غرب استان و اصلاً سراسر مازندران بگویند بیایند اینجا برای همکاری، راه برای همه نوع همکاری باز است.
گفت و گو که به این جا رسیدم سراسر از سؤال های اصلی ام:

تصور نمی کنید کار دانشنامه دولتی شده است؟

- در هیچ جای دنیا دولتی نمی آید پول بدهد و بعد کاری علیه خودش سفارش دهد، دولتی هزینه نمی کند که فحش بشنود، این جا هم این گونه است.

البته دولتمردان مازندرانی تعهد داده اند که

فقط برکار نظارت کنند و این نظارت حق شان است، چون سرمایه گذاری کرده اند، اما گفته اند دخالت نمی کنند و نظارت با دخالت تفاوت دارد.

- آیا به شما موضوع یا موضوعات تحمیلی سفارش نداده اند؟ - من پرسیدم.

- هنوز به زور به من موضوعی نداده اند. من با مشورت اهل قلم کار می کنم. روزی که دفتر معاون سیاسی استاندار بودیم، تاکید کرد که مادر کار شما دخالت نمی کنیم - انوشه جواب داد.

- پس تا این جا همه چی آرام بوده؟
- بله، تا این جا اتفاق منفی از سوی دولتمردان نداشتیم.

- اما در جلسه ای که چند شب پیش برگزار شده بود، ما اهل قلمی که کمک کار دانشنامه مازندران باشد، ندیدیم و هر چه دیدیم چهره های سیاسی بودند و مسئولانی که خیلی این کاره نیستند.

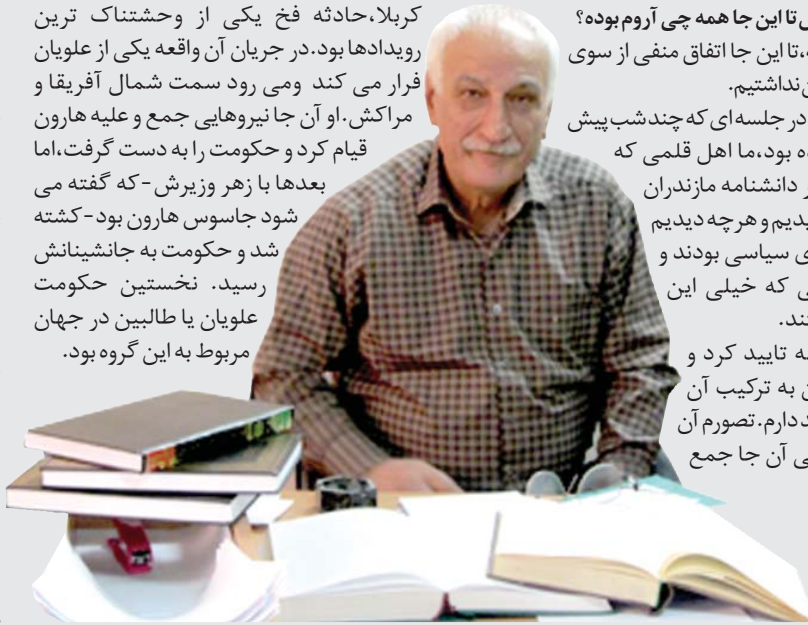
انوشه تایید کرد و گفت: من به ترکیب آن جلسه نقد دارم. تصورم آن بود کسانی آن جا جمع

نخستین دولت علویان در جهان در مراکش تاسیس شده است که موضع گیری های زیادی هم علیه این حرف شما شد.

- تاسیس نخستین دولت علویان در جهان به اداریسیان مراکش منسوب است. در دوره خلافت هارون الرشید در بیرون شهر مدینه اتفاقی افتاد و حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ نفر از علویان کشته شدند. این واقعه در تاریخ اسلام به فح معروف است.

برای شیعیان بعد از واقعه تف یا حادثه کربلا، حادثه فح یکی از وحشتناک ترین رویدادها بود. در جریان آن واقعه یکی از علویان فرار می کند و می رود سمت شمال آفریقا و مراکش. او آن جا نیروهایی جمع و علیه هارون قیام کرد و حکومت را به دست گرفت، اما

بعدها با زهر و زهرش - که گفته می شود جاسوس هارون بود - کشته شد و حکومت به جانشینانش رسید. نخستین حکومت علویان یا طالبین در جهان مربوط به این گروه بود.



تصورم آن بود کسانی آن جا جمع می شوند که اظهارات شان در پیشبرد و سازندگی دانشنامه نقش خواهد داشت، اما چنین نبود. اظهار نظرهای آن جلسه علمی و فرهنگی نبود، بعضی ها برای شعار دادن آمده بودند، به جای تثبیت دانشنامه مازندران، در پی تثبیت خودشان بودند و حرف علمی مهمی نشنیدم

- مهم ترین سندی که این واقعه را شرح می دهد کدام کتاب است؟

- شرح این واقعه در برخی کتاب ها آمده، به ویژه کتاب "مقاتل الطابین" نوشته ابوالفرج اصفهانی. ابوالفرج عرب تبار و از خاندان مروانیان بود اما تمایلات شیعی داشت و در اصفهان زندگی می کرد. او این ماجرا را نقل کرده و نام کشته شده های آن واقعه را نیز آورده است.

گفتم: در این صورت نخستین دولت علویان در جهان در مراکش تاسیس شد، اما می توانیم بگوییم نخستین دولت علویان در ایران در تبرستان شکل گرفت؟

انوشه جواب داد: بهتر است بگوییم نخستین دولت علویان در ایران در شمال کشور (مازندران، گیلان و گلستان) شکل گرفت.

پرسیدم: چند سال بعد از تاسیس علویان مراکش بود؟

- حدود ۶۰ تا ۷۰ سال بعد از تاسیس دولت علوی در مراکش، این اتفاق در شمال ایران روی داد. این یک نکته را اضافه کن که حرف ها و موضوعات غیرمستند را باید رد کرد و نباید موضوعات علمی باعث حریف شکنی و گرم کردن بازار سیاسیون شود. من سند آوردم، آن هایی که غیر از این می گویند سند بیآورند. برخی اصرارها و ادعاهای اساس و بدون سند بیان می شود و اصلاً" عده ای دوست دارند همین طوری بگویند مادر هر چیزی در دنیا اولیم!

حرف که به این جا رسید از اوضاع و احوال استاد در مازندران پرسیدم که گفت: همسرش گاهی برای کمک به ساری می آید.

پیشنهاد دادم منزلی همین جا اجاره کنند تا هر دم بین تهران - مازندران سرگردان نباشند. گفت: هنوز تصمیمی در این زمینه نگرفته ام و ادامه داد: شاید صحیح نباشد که بگویم اصراری بر ماندن ندارم و فقط به خاطر درخواست بزرگانی چون استاندار و معاون او و امام جمعه ساری پیشنهاد را قبول کرده ام.

همین الان هرکس شایستگی دارد بیاید و من با کمال میل دانشنامه را به او تحویل می دهم و حتی به او کمک می کنم کار را ادامه دهد.

گفتم: آن بیرون می گویند اوضاع مالی دانشنامه مازندران توپ است؟ چقدر گرفتید؟

- اگر بگویم هیچ نگرفته ام شاید باور نکنید. نه من و نه همسرم که چند روز در هفته این جا به ما کمک می کند تا کنون ریالی نگرفته ایم. فعلاً" به ما حدود ۲۰ میلیون تومان داده اند که کتاب و منابع بخریم و تاحدودی خریده ایم.

- پس ماجرای ۱۰۰ میلیون تومان و ۴۰۰ میلیون تومان و... این ها را تکذیب می کنید؟

- یکی می گفت به انوشه ۳۳۰ میلیون تومان داده اند که ۳۰ میلیون را خرج دانشنامه کند و بقیه برود جیب خودش! تازه می گفت سند حسابداری اش را هم دیده! من مدت هاست این جا در حال کار کردن هستم و ریالی هم نگرفته ام. ساعت ۲۰ جمعه شب به استاد زنگ زدم و گفتم:

عصر رفتم سوادکوه برای گفت و گو با کارگردان و نویسنده سریال پایتخت و تازه می خواهم کار شما را تنظیم کنم.

گفت: بنویس از ۹-۸ صبح که تو آمدی تا حالا که ساعت ۸ شب است، دارم فیش برداری می کنم. فردا صبح هم می روم قم برای خرید کتاب و سرزدن به چند کتابخانه و وسط هفته برمی گردم. هر کس دوست دارد و می تواند این جوری کار کند بسم الله. وگفت: در مازندنامه فراخوان بزنید که هرکس می تواند بیاید گوشه ای از کار را بگیرد. ما منتظر ورود پژوهشگران و محققان مازندرانی هستیم.





دیدار با کارگردان و نویسنده پایتخت

آمدیم به شما خدمت کنیم

فکر می کنید علت اصلی مخالفت ها با این سریال موفق چیست؟ - من پرسیدم.

- آستانه تحمل و شکیبایی ایرانی ها بالا نیست و سعه صدر کمی دارند. در هر فیلمی که صنفی به تصویر کشیده می شود، ما صحنه های منفی و مثبت زیادی داریم و هر دو را به تصویر می کشیم اما برخی بیننده ها از زاویه انتقادی وارد می شوند و تصور می کنند بخش منفی مربوط به صنف آن هاست! حالا چرا خودش را جای آن آدم های مثبت فیلم نمی گذارد برای من سؤال است! مخاطب نباید خود را جای شخصیت های منفی و خطاکار فیلم تصور کند و آستانه تحمل پایینی داشته باشد.

گفتم: به خصوص اگر کار کمیک و طنز باشد که فضا به سوی انتزاعی و لانسسه شدن برخی موقعیت ها پیش می رود تا خنده بر لب بنشانند. این جا اصلاً نباید بحث تمسخر و توهین مطرح شود. - بله، طنز بازگویی واقعیتی است بازبان شیرین و بامزه و ریشه در حقیقت و واقعیتی دارد. هر چیزی که به زبان طنز بیان می شود، برای آن است که بر نقصان و کمبودها با شیرینی فائق شویم. در کار طنز قصدمان تخریب نیست، سازندگی است.

ماشین مسیر پرپیچ و خم جاده زیراب به سمت شیرگاه را طی می کرد. از تونل شیرگاه گذشتیم و من سؤال بعدی را از سیروس مقدم پرسیدم آقای تنابنده گفتند:

در جریان ساخت پایتخت ۱ کمکی از استان نشد، الان اوضاع چطور است؟

- این سری راضی هستیم، کمک های زیادی به ما شد.

- برخورد مردم بومی چطور؟
- خیلی خوبه، علاوه بر مردم، امام جمعه منطقه، سپاه، نیروی انتظامی، شهرداری و حتی کسبه و همسایه ها برخوردی خوب و نگاهی مثبت دارند و همه نوع همکاری در سطح استان وجود دارد. آقایان طاهایی و حمیدی هم خیلی کمک کردند و از روند کار رضایت داریم.

گفتم: به نظر کارگردان سریال پایتخت که جزو ده سریال برتر صدا و سیما شناخته شده، مهم ترین ویژگی این مجموعه چیه؟
مقدم ابتدا با یادآوری این جمله تنابنده که گفته بود در تهران به ما ایراد گرفتند چرا این همه مازندرانی ها را مثبت نشان دادید و تهرانی ها را منفی، تاکید کرد: ما مازندرانی ها را زیادی مثبت نشان ندادیم، مازندرانی ها خودشان مثبت هستند، ما واقعیت های موجود را به تصویر کشیدیم.

۸۰ تا ۹۰ سکانس ضبط شده و حدود ۵۰ سکانس دیگر هم باقی مانده که در همین سوادکوه ضبط می شود.

برای انتخاب لوکیشن ها چه قدر وقت صرف کردید؟ می خواهم بدانم چه قدر دقت نظر داشته اید. شانس که این جا را انتخاب نکردید؟ - من پرسیدم.

ما حدود ۱/۵ سال به دنبال لوکیشن مناسب بودیم. تحقیق کردیم و بعد سوادکوه را انتخاب کردیم. اول رفته بودیم بندرگز. می خواستیم مکان فیلم برداری جایی باشد که خانه ها به محل تردد قطار نزدیک باشد، دیدیم جذاب ترین و بهترین نقطه همین سوادکوه است.

- تغییرات اساسی که در این سری نداشتید؟ لهجه ها و تیپ ها همانند که در سری اول بودند دیگر؟

مقدم گفت: همان خانواده هستند و ما تغییر زیادی نداریم، خلق و خوها و لهجه ها همان است، فقط تغییراتی روی تکیه کلام ها دادیم.

- پرسیدم: سازمان صدا و سیما و یا استاندار مازندران توصیه هایی داشتند؟

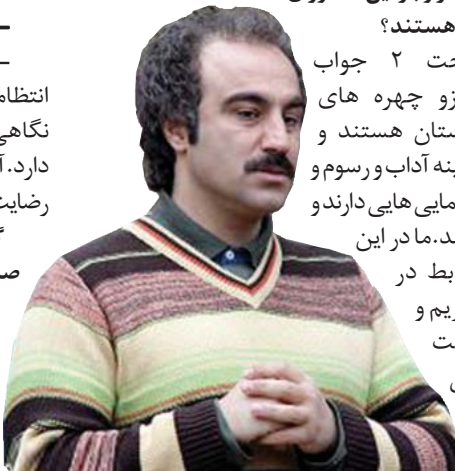
- بله، مواردی را سفارش کردند. مشاوره هایی نیز به ما شد.

- می توانید بگویید مشاوران پروژه ی شما چه کسانی اند؟
- فعلاً آن دوستان تمایل ندارند ما نام شان را بگوییم، اما من

آمادگی دارم هر وقت که زمانش رسید و در پایان هر قسمت از سریال نام آن ها را در تایتل بیاورم.

- حداقل بگویید کار و بار این مشاوران چیست؟ از چه قشری هستند؟

کارگردان پایتخت ۲ جواب داد: مشاوران ما جزو چهره های فرهنگی و علمی استان هستند و مقبولیت دارند و در زمینه آداب و رسوم و زبان و مانند این ها راه نمایی هایی دارند و به نوعی کمک می کنند. ما در این مجموعه به نوع روابط در خانواده توجه ویژه داریم و می خواهیم خصلت خانواده دوستی مازنی ها را برجسته کنیم. در این صورت



سردبیر: صبح جمعه سرگرم گفت و گو با استاد حسن انوشه - سرپرست دانشنامه مازندران - بودم که دوستی که از عوامل سریال پایتخت ۲ است تلفن زد و گفت: "همانگ کردم، عصر برو زیراب سر ضبط سریال. عکاس هم ببر." ساعت هنوز ۳ بعد از ظهر نشده بود که به اتفاق حمید صالحی از قائم شهر راه افتادیم. گروه، نزدیک میدان اصلی زیراب مشغول تصویربرداری بودند. ماشین را که پارک کردم اول از همه گلستانه - دستیار اول و برنامه ریز سریال - را دیدم. دقایقی با هم گپ زدیم. گفت: کارشان خیلی فشرده است و هنوز ناهار نخورده اند. به ساعت نگاه کردم، نزدیکی های ۴ بود. عده ای از جوان ها و نوجوان ها و بومیان ایستاده بودند به تماشا. روز جمعه را نمی ماند و اطراف محیط فیلم برداری به نسبت شلوغ بود.

گلستانه گفت: از صبح تا حالا این جا داریم فیلم می گیریم، روزهای گذشته هم همین طور، حتی یک اعتراض و انتقاد نداشتیم. همه استقبال کرده اند.

گفتم: انتقادها بیشتر در محافل رسانه ای و روشنفکری استان مطرح است و مردم عادی عموماً نگاه مثبتی به پایتخت دارند. ساعت از ۴ گذشته بود که در منزلی نزدیک پل زیراب، میز و صندلی چیدند و گروه مشغول خوردن ناهار شدند. کنار سیروس مقدم - کارگردان - و محسن تنابنده - نویسنده و بازیگر پایتخت ۱ و ۲ - دو صندلی برای من و عکاس مان - حمید صالحی - خالی کرده بودند. پرنیتی از تمام مطالب و نوشته های مازندنومه را که از پایتخت ۱ و ۲ منتشر کرده بودیم، آماده کرده بودم و دادم دست مقدم و تنابنده. تیرها و سوتیترها را خواندند. برای شان جالب بود. مقدم چندبار تعارف مان کرد به ناهار! گفتیم صرف شده، تازه این ناهار یخ زده که دیگر تعارف ندارد!

گفت: ساعت ۴:۱۵ عصر شده ما تازه داریم ناهار می خوریم. منظورش این بود که دارند سنگ تمام می گذارند تا کار مورد اقبال مردم و مازندرانی ها واقع شود.

گفتم برخلاف عده ای که در استان گرفتار فضای روشنفکر مابانه شدند و بدون دلیل متقن و کارشناسی و بر مبنای جو غالب آن روز، موضع گرفتند و می گیرند که پایتخت ضد فرهنگ و زبان مازندرانی است، معتقدم این سریال خدمت بزرگی به فرهنگ ما کرده است. محسن تنابنده گفت: لهجه بازیگران و هنرپیشه های طنز مازندران را شنیده ای؟ اجرای آن ها را روی صحنه دیده ای؟ حالا چه کسی کار ضد فرهنگی انجام می دهد؟

و ادامه داد: در جریان پایتخت ۱ کسی به ما کمک نکرد، کسی به ما مشاوره نداد، ما می توانستیم در همان تهران ۴ تا درخت پیدا کنیم و بگوییم این جا مثلاً "مازندران است، اما این کار را نکردیم و آمدیم شمال تا فرهنگ مردم این جا برای مان ملموس تر شود و طبیعت و زندگی مازندرانی ها را به درستی به تصویر بکشیم. تنابنده گفت: تازه در تهران به ما خرده گرفتند که چرا این قدر مازندرانی ها را مثبت نشان دادید؟!

سیروس مقدم حرف های تنابنده را این گونه تکمیل کرد: آن هایی که منتقدند و به کار ایراد می گیرند، اگر ادله دارند چرا نمی آیند اینجا تا با ما صحبت کنند و از دور حرف می زنند؟

گفتم: عده ای از روی ناآگاهی می گویند که بعد از قرن رفتند برای مازندرانی ها فیلم بسازند، طنزش را ساختند.

مقدم گفت: خب، جدی اش را دیگران بسازند، مگر قرار است در یک فیلم، همه چیز مازندران - از فرهنگش گرفته تا اقتصاد و مسایل اجتماعی اش - به تصویر کشیده شود؟

تنابنده گفت: ما الان داریم ناهار می خوریم، غذای ما زرشک پلو با مرغ است، خب مگر می شود من در آن واحد که این غذا را می خورم، ده نوع غذای دیگر را هم بخورم؟! فیلم هم همین گونه است. مگر می شود همه سوژه ها و داستان های عالم را در یک سریال یا فیلم سینمایی نشان داد؟ تمام مسایل هستی را که نمی توان در یک سریال به نمایش گذاشت!

ناهار که صرف شد گروه سازنده پایتخت ۲ راه افتادند سمت سد سنبل رود. مقدم پیشنهاد داد تا بقیه حرف ها را در طول راه و داخل ماشین بزنیم. راه که افتادیم، داخل ماشین از کارگردان پایتخت ۲ پرسیدم: تا امروز چند سکانس ضبط کردید؟
مقدم گفت: حدود ۲۳ روز است در سوادکوه هستیم و تا حالا

کوک کنند، دیگر کسی حاضر نمی شود بیاید در مازندران کار نمایشی بکند.

استان شما ظرفیت های اقتصادی و گردشگری زیادی دارد که مهجور مانده است، من اگر بتوانم با این سریال فقط یک گردشگر را برای استان تان جذب کنم، کارم مفید بوده است.

گفتم: آقای مقدم نظرتان چیست که در یکی از دانشگاه های مازندران مناظره ای بین تعدادی از مخالفان شما و برخی عوامل سریال برپا شود؟

- من آماده ام هر جا و در هر زمانی به ابهامات و انتقادات پاسخ دهم. تخریب از دور، کار خوبی نیست، باید از نزدیک یکدیگر را متقاعد کنیم. این سریال از چندین کانال نظارتی صدا و سیما رد شده و مجوز ساخت گرفته، ما کار یواشکی انجام نمی دهیم، مگر این که کسی بیاید و بگوید من اصلاً "صدا و سیما را قبول ندارم که این حرف دیگری است."

دیگر رسیده بودیم سنبل رود، سنبل رود زیبا و خلوت. تک خانواده های مازندران آمده بودند برای گردش عصر جمعه ای. گروه مشغول مستقر کردن تجهیزات شان بودند. باید از سبروس مقدم خداحافظی می کردم تا به کارش برسد.

لحظه آخر تشکر کرد و گفت: این را هم از قول من بنویس که ما آمدیم مازندران شما، چون اعتقاد داشتیم این جاذبه زیبایی دارد و همین طور مردم دوست داشتنی ای. حاشیه سازی و عیب جویی اخلاق جوانمردان نیست. ما آمدیم به شما خدمت کنیم، این را به آن دوستان منتقد بگو.

با حمید صالحی از سنبل رود راه افتادیم سمت قائم شهر. در راه این جمله تنابنده و مقدم تمام ذهنم را مشغول کرده بود که: "در تهران به ما خرده گرفتند چرا این همه مازندران ها را مثبت نشان دادید؟! این گونه نیستند آن ها!"

حمید از من پرسید نظر خودت راجع به این ادعا چیست؟ ما مازنی ها این گونه مثبت هستیم یا نیستیم؟

گفتم: تنابنده موقعی که لقمه آخر ناهارش را خورد رو به من کرد و گفت: "بچه هارفتند این جا کفش پلاستیکی بخرند، قیمتش حدود ۲۰ هزار تومان بود، تا فهمیدند تهرانی هستیم و کفش ها را برای سریال می خواهیم پای ۳۵ هزار تومان حساب کردند!"



همه مشکل داشتند، اما وقتی بابانجعلی مریض می شود، پسر خانواده برای اولین بار گریه می کند! یا او را به حمام می برد و تر و خشک می کند. این ها همه نکته های مثبت این مجموعه است.

- ببینید آقای مقدم، من و شما هر چه از نکته های مثبت پایتخت بنویسیم و بگوییم، برای بعضی ها انگار مرغ یک پا دارد! نمی خواهند ببینند و توجه کنند!

- شاید! روزی که استاندار آمد این جا من از ایشان خواهش کردم که هرکس در استان نظر مختلفی دارد، تا موقعی که ما در مازندران حضور داریم، بیاید اینجا تا چهره به چهره با او حرف بزنیم. ما آماده شنیدن همه حرف ها به طور مستقیم هستیم.

گفتم: مطمئن باشید کسی نمی آید. عده ای از استدلال و منطق گریزان هستند و عادت کرده اند بر ساز مخالف بکوبند. شاید هم خجالت می کشند که بیایند و نظرشان برگردد!

- هر کس قصد فرهنگ سازی دارد، نباید کنار بکشد. ما باور داریم که در این خدمت می کنیم، می خواهیم به مردم عیدی خوبی بدهیم، البته ادعا نداریم همه جای کارمان بی نقص است، ما هم ایراداتی داریم، اما باید توجه داشته باشیم که اگر بخواهد اوضاع به شکلی باشد که عده ای چشم بسته و بدون استدلال، ساز مخالف

مازنی ها به شدت خونگرم و مهمان نوازند و ما تلاش کردیم این خصوصیت آن ها را در پایتخت به نمایش بگذاریم.

مقدم برای تصدیق حرفش داستانی از مهمان نوازی مردم روستای سنگده تعریف کرد: برای بازبینی رفته بودیم سنگده. ساعت حدود ۵-۶ صبح بود. به اولین خانه ای که رسیدیم در زدیم تا سؤال هایی پرسسیم. به زور ما را بردند داخل خانه و پذیرایی کردند، در حالی که نمی شناختندمان، خیلی مهمان دوست و ساده دل بودند.

کارگردان پایتخت در ادامه به ویژگی دوم این سریال اشاره کرد و گفت: علاوه بر خونگرمی و مهمان نوازی، ما تلاش کردیم همدلی و صمیمیت و همراهی یک خانواده مازندران را آن هم در شرایط سخت و دشوار نشان دهیم که با هم یکدل هستند و این خانواده هرگز از هم نمی پاشد و سومین خصوصیت مثبت کار، اعتقاد به حلال و حرام است. این خانواده مازندران به لقمه حلال اعتقاد دارند و آن را مایه خیر و برکت می دانند. مثلاً "زن خانه وقتی ۴ تا ۵ برتقال برمی دارد، یادداشت می کند تا بعداً پولش را بپردازد."

- احترام به سالمندان را هم فراموش نکنید. - درسته، در مازندران برخلاف تهران به پیران احترام زیادی می گذارند و خیلی راحت نمی برندشان خانه سالمندان. شما ببینید این



حدود ساعت ۸ صبح چهارشنبه مصطفی کاظمی عکاس خبرگزاری فارس و میثم محسنی - عکاس ایرنا - از ساری به سمت قائم شهر حرکت کرده و آن جا حمید صالحی - عکاس جام جم آنلاین - و محسن رضاپور - عکاس مهر - به آنها ملحق شدند و حدود ساعت ۹:۳۰ به سرخورد می رسند. تالاب بین المللی در بخش سرخورد در ۱۵ کیلومتری غرب محمود آباد همه ساله میزبان هزاران قطعه پرند مهاجر زمستان گذران است. آنها مشغول عکاسی می شوند بعد از ساعتی چند نفر مهاجم به آنها حمله ور شده و عکاسان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. مصطفی کاظمی ماجرا را اینگونه روایت می کند: وقتی به منطقه رسیدیم ابتدای ورود تابلوهایی نصب شده بود که به بازدیدکننده ها آگاهی می داد به قوها آسیب نرسانند. با توجه به اعلاناتی که روی بنرها نوشته شده بود، تصور اولیه ما از فضا این بود که وارد مکانی شده ایم که برخورد فرهنگ و محیط زیستی خواهد بود، اما دقایقی بعد متوجه شدیم تصورمان اشتباهی بیش نیست و این جانسان شکار می شود و چوب و چماق و خشک مغزی حرف اول را می زند! پیرمردی که حدود ۶۰ سال می نمود و کت و شلوار بر تن و چکمه به پا داشت، از ما پرسید چه کاره ایم و چرا این جا آمده ایم؟ توضیح دادیم که عکاس هستیم و در خبرگزاری و سایت کار می کنیم، هر جامی رفتیم او همراه ما می آمد. دو تا از دوستانم جلوتر رفتند. مرد از ما خواست به دوستان ما گوشزد کنیم برگردند و جلو نروند. مرد پرسید: من نمی دانم شما از کجا آمده اید. کارت های ما را نشان دادیم و تاکید کردیم خبرنگار و عکاسیم، اما او گفت: حق ندارید عکس بگیرید! تلفن زدیم به دوستان ما که برگردند و بعد گفتیم خودمان می رویم و با آن ها برمی گردیم. در راه عکس می گرفتیم و کمی معطل شدیم. مرد تحمل نکرد و با موتور نزد ما آمد و بعد شروع کرد به زدن یکی از بچه ها (صالحی) که جلوتر از ما رفته بود. به او گفتم: حاجی این ها همسن بچه های خودت هستند، چرا می زنی؟! اگر ماموری کارت ات را نشان بده، تازه اگر مامور هم باشی حق زدن مردم را نداری! گفت: الان زنگ می زلم ماموران بیایند و شما را ببرند. گفتیم: هر



شرح کامل ماجرای مضر و شدن ۴ عکاس خبری استان در سرخورد

جهنمی به نام سرخورد این جا انسان شکار می کند

ارتباطی بین این افراد که شاید شکارچی بودند و محیط بانان وجود داشت که همگی در آزار و مضر و کردن ما همدانستان شده بودند! شاید تخلفی وجود داشت و فکر می کردند ما با عکس های مان مستند سازی کرده ایم! به هر حال دوستانم مرا به در مانگاه انتقال دادند. چند سانتی متر از سرم زخم برداشته بود. لب حمید صالحی پاره شد و بیچاره محسن رضاپور که خودش کم توان جسمی است و معلولیت دارد؛ او را هم بی نصیب نگذاشتند! این را هم بگویم که دوربین ها و تجهیزات مان هر کدام حدود ۲۰ میلیون تومان ارزش دارد و بخشی از مضر و شدن مان به خاطر حفظ همین تجهیزات با چنگ و دندان بود، هر چند دوربین رضاپور در این میان آسیب دید. بعد از پانسمان و مداوای سرپایی به فرمانداری منطقه رفتیم. در راه بخشدار را دیدیم. خیلی تاسف خورد و ابراز ناراحتی کرد. او پیشنهاد داد که نزد دادستان برویم. دادستان هم با ناراحتی، ضمن بیان این که مگر پرند مهم تر از انسان است، قول داد پنجشنبه مسئولان مربوط را برای ادای توضیح بخواد.

مسولان پیگیری کنند

محمد رضایی عکاس خبرگزاری فارس با ابراز تاسف از واقعه مذکور به مازندنومه گفت: متأسفانه این نوع برخوردها با اصحاب رسانه چندین بار دیگر صورت گرفت و اگر از همان ابتدا با خاطیان برخورد می شد شاید شاهد بروز چنین اتفاقاتی نبودیم. وی توجه مخاطبین را به ذکر چند نکته جلب می کند: ۱- اینکه مامور محیط زیست به چه دلیل پست خود را ترک کرده حال آن که آن منطقه از چند محیط بان که نیروی سازمان محیط زیست می باشند! برخوردار است که بصورت شیفت پست خود را تعویض می نمایند. ۲- ظاهر عکاسان آن هم مطبوعاتی با حجم تجهیزاتی که به همراه دارند کاملاً گویای شخصیت و موقعیت حرفه ای و اجتماعی ایشان می باشد و حتی یک کودک سرخوردی هم می توانست تشخیص دهد که آنها عکاس هستند نه شکارچی! ۳- قوهای مهاجر در تالاب بدلیل حضور سالیان در این منطقه آنقدر به انسان عادت کرده اند که تا احساس خطر کامل نکنند به هیچ عنوان از روی ترس پرواز نمی کنند و یکی از علل عمده مرگ و میر قوهای سرخورد سرعت حرکت و صدای ناگهانی و ناهنجار موتور شکارچیان، دامگاه داران و حتی مامورین محیط بان است که در اثر آن پرواز کرده و با سیم های فشار قوی برق برخورد می کنند و باعث مرگشان می شود؛ نه حضور چند عکاس! که اگر چنین بود پس می بایست در روزهای قبل بخصوص ایام تعطیل که جمعیت زیادی برای دیدن از قوها به تالاب می آمدند چیزی از قوها باقی نماند. این در



پرستار مرکز بهداشت در حال پانسمان سر مصطفی کاظمی عکاس خبرگزاری فارس

کاری دلت می خواهد بکن. او سوار بر موتور شد و رفت و کمی جلوتر تلفن زد. صدایش را می شنیدیم که به دروغ می گفت: این جا چهار نفر مرا تنها گیر آورده اند و دارند می زنند! دقایقی بعد چند نفر با چوب و چماق سر رسیدند و بی درنگ شروع به زدن ما کردند. سرم چند سانتی متر زخم برداشت و تمام تنم کوفته شد. در این اثنا متوجه شدیم سه مامور محیط زیست که لباس مخصوص بر تن داشتند به ما نزدیک می شوند. خوشحال شدیم که آن ها حداقل جلوی وحشی گری این افراد را می گیرند، اما زهی خیال باطل! ماموران محیط زیست نیز به محض رسیدن، همپای آن چند نفر شروع به کتک زدن ما کردند. در این لحظه چوبی بر سرم خورد و بیهوش شدم و دیگر نفهمیدم چه بر سر بقیه آمد. ناگفته نماند آن ها پس از مضر و ساختن ما، برگه ای را آوردند و به زور از ما امضا گرفتند. خواستم متن کاغذ را بخوانم اما با چوب کوبیدند روی سرم و ناگزیر نخواندم امضا زدم! چند قطعه قوی کشته شده را هم آوردند و گفتند این ها را شما شکار کردید، اگر حرفی از ماجرا بزنید، می گوئیم شما پرند شکار کرده اید و آن وقت برای تان گران تمام می شود! نمی دانم چه

همانگی بعمل آمده، محیط بانان منطقه جهت شرکت در این مراسم در شهر محمود آباد بوده و در منطقه حضور نداشته اند. افراد مورد ضرب و شتم تحت عنوان خبرنگار، بدون اطلاع و هماهنگی قبلی به منطقه وارد شده و جهت عکسبرداری، تا چند قدمی پرندگان مهاجر و قوها پیش می روند، در این زمان یکی از اهالی سرخورد که در منطقه حضور داشته و به مانند سایر اهالی سرخورد که خود را در



قیال پرندگان مسئول می دانند به ایشان تذکر می دهد که به پرندگان نزدیک نشوید چرا که در صورت احساس خطر پرندگان به پرواز در آمده و به سیم انتقال برق فشار قوی برخورد و تلف خواهند شد که متأسفانه این موضوع اتفاق افتاد و سه فروند قو در اثر نزدیک شدن این افراد با برخورد به سیم برق تلف شدند. معهذاً

خبرنگاران مذکور بدن توجه به تذکر فرد محلی (که هیچ رابطه استخدامی با سازمان حفاظت محیط زیست ندارد) اعلام می دارند که ما خبرنگاریم و به هر جا که بخواهیم می توانیم برویم و با کمال تاسف و به دور از شان خبرنگاری با استهزا و تمسخر و توهین با افراد محلی برخورد می کنند و در ادامه وی را مورد ضرب و شتم قرار داده و از ناحیه سر و دست و پا مضر و می کنند. این درگیری از چشم اهالی و کشاورزان دور نمانده و اهالی منطقه در محل تجمع نموده که این موضوع موجب تشدید درگیری می گردد.

روابط عمومی این اداره کل در پایان اینگونه نتیجه می گیرد: مع الوصف نکات قابل ذکر این است که اولاً؛ مامورین اداره حفاظت محیط زیست در زمان درگیری در منطقه حضور نداشته اند، بلکه در مراسم هفته هوای پاک حاضر، در نتیجه نمی توانستند با خبرنگاران درگیر شوند و زمانی به منطقه رسیدند که درگیری پایان یافته بود. ثانیاً؛ خبرنگاران مذکور می



حمید صالحی اولین نفری بود که مورد حمله قرار گرفت و لبش پاره شد

بایستی قبل از حضور خود در منطقه با اداره کل حفاظت محیط زیست مازندران و یا با اداره حفاظت محیط زیست شهرستان محمود آباد هماهنگی می کردند. ثالثاً؛ روزانه صدها نفر جهت مشاهده قوها به منطقه عزیمت می کنند و علی رغم نصب چندین پارچه نوشته و پلاکارد و بنر، مبنی بر عدم نزدیک شدن به قوها، متأسفانه خبرنگاران مذکور به این مهم توجهی نداشته و با نزدیک شدن بیش از حد به پرندگان، قوها به پرواز در آمده و سه فروند قو با برخورد به سیم برق دکل فشار قوی تلف شدند که این مهم خود قابل پیگیری می باشد و از سوی دیگر مامورین محیط بان، ملبس به لباس سازمانی دارای آرم و کارت شناسایی می باشند که افراد محلی، از این ویژگی برخوردار نیستند و شایسته بود که خبرنگاران محترم به این امر توجه می نمودند.

آقای رئیس جمهور، مسئولیت قانونی ضرب و شتم خبرنگاران با کیست؟

محمد رضا زمانی درمزاری وکیل پایه یک دادگستری در یادداشتی در مازندنومه به نقد حقوقی این ماجرا پرداخته. وی می گوید: جمعی از خبرنگاران مجاز رسانه ها و خبرگزاری های مازندران و ایران در راستای تکلیف حرفه ای خویش و با رعایت کامل موازین قانونی و صنفی و همراه داشتن کارت خبرنگاری از دستگاه ها و خبرگزاری های متبوعه خود، به منظور بازدید از تالاب بین المللی سرخورد مازندران و تهیه عکس و تصویر مستند از پرندگان



یکی از قوهای مرده که ضاربان بعد از ضرب و شتم خبرنگاران از پستو در آوردند

اینطور آورده: مجرمان از قلم و زبان و دوربین خبرنگاران می هراسند و فقط خائنان، حضورشان را بر نمی تابند! کسانی که دارای خطای عملکرد، ضعف نظارت، ناهمترازی هزینه ها و درآمدها، حیف و میل و بریز و پش بیت المال، اختلاس و ارتشا، تبانی و حق سکوت، معامله های پنهان و کلاً خطاهای مشهود و یا عدول از وظایف معهودند، از شفافیت، نور، روشنایی و انتشار حقایق می ترسند و خفقان را بر آزادی بیان ترجیح می دهند. کسی تردید ندارد که از سالهای دور تا کنون، همواره در حوزه های ماموریتی محیط زیست، اتفاقات زیادی می افتد که انتشار واقعی آن حوادث به مزاج برخی از آنها ناخوشایند است، زیرا بر این باورند که انتشار حقایق، یا بر ضعف عملکرد آنها صحنه گذاشته و

یا بر مسائل حاشیه ساز دیگر متمرکز می شود و در هر دو حالت، اوضاع کلی و آرامش کذابی را به هم می ریزد و از این رو خبرنگاران و عکاسان هم می توانند، برای این دسته از افراد، ممنوع ورود به محیط ریست محسوب شوند تا واقعات امر به مدیران مافوق انعکاس نیابند. شکار بی رویه حیوانات کمیاب و نسل ها و گونه های در حال انقراض، چیزی نیست که بتوان آن را با خبرنگارانی و عکاس زنی انکار کرد و بر آن سرپوش گذاشت و به آن نپرداخت و از این رو باید تاکید شود که اتفاقاً مقابله فیزیکی با آنها به رسوایی هر چه بیشتر متخلفان و یا محیط بانان ضعیف منجر شده و حوزه انتشار آن را کشوری نیز خواهد کرد. زدن خبرنگاران و عکاسان رسانه ها، اخذ امضای اجباری، اتهام آنها به شکار قوو و از این دست اقدامات جعلی، نخ نما و سوخته در تالاب بین المللی شهر سرخورد مازندران از توابع شهرستان محمودآباد که توسط سایت هایی همچون مازندنومه تبیین شده است، از جمله شگردهای کهنه ای است که با توجه به هوشمندی قضات محترم، هرگز محکمه پسند جلوه نمی کند و امروز دیگر هیچ قاضی در مازندران نیست که سلامت اجتماعی و رفتاری این افراد مضروب رانشناسد و بخواهد صحنه سازی آقایان را باور کند. اگر زدن خبرنگاران در مراکز دولتی و عمومی مثل اتفاقی که در قائم شهر و چند شهر دیگر افتاده، به طور جدی و نتیجه بخش پیگیری می شد، امروز ما شاهد تکرار جسارت دیگران به خبرنگاران، تا این اندازه مضحک و تاسف بار نبودیم و مطمئن باشید که اگر این مورد هم به طور جدی پیگیری نشود و شخص نماینده ولی فقیه در مازندران، استاندار محترم، رئیس کل دادگستری مازندران و مدیرکل ارشاد اسلامی مازندران پشت قضیه پیگیری قرار نگیرند، یقیناً این پرونده نیز مشمول مرور زمان شده و در آینده اراده ای برای به نتیجه رساندن آن شکل نمی گیرد. تامین امنیت و ایجاد مصونیت نسبی برای خبرنگاران و عکاسان رسانه ها، یک درخواست بین المللی و وظیفه ملی نهادهای امنیتی مثل شورای تامین و دیگر نهادهای تامین کننده امنیت مثل قوه قضائیه، نیروی انتظامی و سایر اعضای شورای تامین است و هیچ نهادی نباید خود را کنار کشیده و آن را از وظایف ذاتی دیگر نهادها بداند. نکته مهم این است که اگر این ضرب و شتم به از دست دادن جان خبرنگاری منجر می شد، چقدر می توانست موجبات وهن نظام و نهاد مربوطه را فراهم آورده و برای رسانه های مغرض نظام سلطه جهانی، تهیه خوراک می کرد و از این لحاظ باید این اتفاقات را کاملاً جدی گرفت و به نتیجه رساند؟ به عنوان یک عنصر فرهنگی و فعال رسانه ای از مسئولان ارشد و ذی ربط استان و نیز از نمایندگان محترم مازندران در مجلس شورای اسلامی انتظار دارم تا با بالابردن حساسیت پیگیری قضائی و اداری، نگذارند که ضاربان متخلف اصحاب رسانه ها به همین آسانی ها از جنجال عدالت بگریزند تا در آینده باز هم شاهد تکرار صحنه هایی باشیم که اگر در گذشته با نمونه هایش برخورد می شد، هرگز تجلی مجدد نمی یافتند. در پایان از عکاسان محترم مضروب و رسانه های ذیربط نیز انتظار می رود تا با عدم گذشت حق و حقوق خویش، زمینه های تقویت امنیت عمومی خبرنگاران و کلاً اصحاب رسانه را که به طور مکرر مورد اهانت قرار می گیرند، فراهم آورند.



و تناقضات غیر قابل انکاری گشته که خود، بر مسئولیت محتوم قانونی وی و همراهان نامبرده خواهد افزود. نامبرده، گویی هم در مقام مدعی العموم و هم در مقام قاضی شارع، بدون هرگونه صلاحیت علمی، قضائی و قانونی مقتضی، ضمن محکوم و بی ارزش جلوه نمودن حضور عکاسان و خبرنگاران مزبور و تلاش برای وارونه و غیر واقع جلوه دادن تعارض و تهاجم غیر قانونی به عمل آمده نسبت به خبرنگاران محترم رسانه ها و نیز انکار و کتمان هدمند حضور و اقدام غیر قانونی محیط بانان متعرض به خبرنگاران، در مقام استنتاج غیرحقوقی دیدگاه خویش برآمده و حتی، آنها را تهدید به شکایت می نماید! به واقع، اگر خبرنگاران مزبور موجب مرگ غیر واقع قوهای مورد ادعای وی و محیط بانان شده اند، پس، چرا تهدید به شکایت؟! بلکه - تعقیب قانونی آنها، از الزامات و تکالیف قانونی آنهاست و مسامحه و اهمال آنها در این رابطه، خود فاقد وجهت حقوقی و قانونی بوده و در نتیجه، علم و عمد محیط بانان و عضو هیات مدیره کانون محیط بانان سرخورد در این رابطه، به ترتیب مزبور، از حیث حقوقی؛ بیانگر اظهارات و ادعاهای نادرست و غیر واقع وی و آنها و شتابزدگی مشهود در اعلام نظر غیر کارشناسی و برخلاف واقع وی داشته که خود، مستوجب مسئولیت قانونی آنها نیز خواهد بود. ضمن تکذیب اظهارات و گزارش بی اساس و خلاف واقع نامبرده و تاکید بر مسئولیت قانونی وی و همراهان این عضو هیات مدیره کانون محیط بانان - ضرب و شتم عالمانه و عامدانه تعدادی خبرنگار مجاز و فعالان عرصه رسانه و خبر و نقض آشکار و غیر قابل انکار حریم قانونی و حرفه ای آنها و تعرض به حقوق شهروندی، حرفه ای و قانونی آنان، به ترتیب یاد شده فاقد هرگونه توجیه حقوقی و قانونی بوده و علاوه بر مسئولیت قانونی و جزائی عوامل رسمی و محلی مربوطه - استمرار فعالیت محیط بانی و فعالان مزبور با توسل به روش های موصوف فاقد هرگونه وجهت حقوقی و قانونی بوده و از منظر مردم، افکار عمومی و رسانه ها نیز مطرود و محکوم به بطلان است. بدیهی است عوامل محیط بانی و مردم محلی متعرض به خبرنگاران باید ضمن پذیرش مسئولیت محتوم جزائی و قانونی خویش و تحمل مجازات های قانونی مقرر، در مقام جبران خسارات مادی و معنوی وارده به این خبرنگاران محترم نیز برآمده و از هیجان و تنش به وجود آمده در طبیعت و در بین مردم و رسانه ها، از طبیعت، مردم، رسانه ها و خبرنگاران محترم و خبرگزاری های متبوعه آنها نیز رسماً عذرخواهی نمایند. خبرنگاران مزبور نیز حق قانونی خویش را در تعقیب رسمی و قانونی مراتب در مراجع قضائی و قانونی و استفاده از ظرفیت های کامل رسانه ای برای حصول به نتایج نهایی و مجازات عاملین مزبور و ناقضین به قانون و شکنندگان حریم مردم، قانون و طبیعت برای خویش محفوظ خواهند داشت.

خبرنگاران گذشت نکنند

مسئولان ارشد و نماینده ها پیگیر شوند

صادقعلی رنجبر فعال فرهنگی و رسانه ای استان نیز در به این اتفاق واکنش نشان داد. او در یک یادداشت کوتاه که نسخه ای از آن بدست ما رسیده

بی مهری قرار گرفته و خود نیز شکار ناقضین قانون و صید شکاربانان شده اند؟! وقتی حیات انسان و خبرنگاران، این گونه مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته و شکار انسان و خبرنگاران، این گونه آسان و بی قید و بند انجام می گردد، چرا و چگونه باید و می توان به حیات و محافظت از پرندگان حیات وحش و تالاب های بین المللی و منطقه ای، از این پس، دل خوش کرد؟! گرچه، اقدام اولیه فرماندار و بخشدار و دادستان محترم محمود آباد در وعده شفاهی احضار ریاست محیط زیست شهرستان و تعقیب مراتب، در پی مراجعه خبرنگاران مصدوم به دادستانی قابل تقدیر بوده، اما ضرورت دارد؛ نظر به اهمیت موضوع و لزوم پیگیری قانونی، سریع و همه جانبه مراتب - نسبت به تعقیب جزائی و قانونی محیط بانان و دیگر مهاجمان به خبرنگاران در آن مراجع و دیگر مراجع قانونی ذیربط تسریعاً، اقدام لازم معمول و گزارش مستند و



میثم محسنی (سمت راست) او هم مشت و لگد و سیلی خورد، هم چوب!

مقرون به واقع مراتب نیز به رسانه ها و مردم، بطور مستمر منعکس شود. عدول پزشکی قانونی استان مازندران نیز از پذیرش اولیه مصدومین مزبور، با وجود مشاهده جراحات و صدمات مشهود بر سر و صورت خبرنگاران و عدم توجه به امکان از بین رفتن آثار و جراحات وارده و احاله آنها به پزشکی قانونی محمود آباد در آخرین روز هفته جاری (پنج شنبه) نیز تاسف بار بوده و مستوجب مسئولیت می باشد. تلاش موهن و غیرقانونی کانون محیط بانی در اعلان گزارش غیرواقع و مسئولیت زای مطروحه و منتشره علیه خبرنگاران و سعی در وارونه جلوه دادن و واقعیات موصوف، جای تاسف دیگری داشته و نشان از مسئولیت محتوم قانونی آن مرجع به مانند مهاجمین مزبور در این رابطه دارد که در تعقیب قانونی و حقوقی مراتب، یقیناً محل توجه وکلای خبرنگاران مصدوم و مراجع قانونی ذیربط نیز قرار خواهد گرفت

در همین رابطه، محمدعلی الله قالی عضو هیات مدیره کانون محیط بان (NGO) که بدون ارائه هرگونه دلیل مثبت سمت خویش، خود را مسئول تیم حفاظت از قوهای مهاجر سرخورد معرفی کرده است؛ ضمن ارسال پیام و کامنت مسئولیت زای خویش بر خبر منتشره در سایت شمال نیوز، با تکذیب غیرواقع مراتب مزبور و بی ارزش جلوه دادن اقدام خبرنگاران محترم و تلاش بلاوجه جهت توجیه وضعیت تاسف بار، غیرقانونی و مسولیت زای مذکور، با طرح گزارش خلاف واقع و غیر مستند و نیز سعی در منتسب ساختن غیر واقع مرگ قوهای مزبور به خبرنگاران مصدوم و مورد تعرض از سوی محیط بانان و مردم محلی - در اظهار نظر خویش دچار تعارضات

مهاجر، در روز چهارشنبه بدانجا عزیمت نموده و در کمال تعجب و ناباوری، به ناگهان دیدند؛ به جای محافظت از محیط زیست و حیات پرندگان - انسان ها و خبرنگاران، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و می توان، به وضوح، شکار انسان و خبرنگاران را در سرخورد یافت! بنا به اظهار عکاس خبرگزاری فارس، با وجود آنکه وی و سایر خبرنگاران در حال ترک محل بودند، به ناگاه مورد تعرض و ضرب و شتم محیط بانان و نزدیک به ۲۰ نفر از اهالی محلی و دارای سلاح و وسایل سرد قرار گرفتند و ضمن مصدوم ساختن غیر قانونی آنها، لوازم و وسایل عکاسی آنها نیز به شدت آسیب دیده است. خبرنگاران مزبور که به خبرگزاری های مهر، جام جم آنلاین، ایرنا و فارس تعلق داشتند، تعرض و تهاجم محیط بانان مستقر در سرخورد و دیگر اهالی آنجا را، تاسفی غیر قابل توجیه بر پایان آتی حیات وحش و تالاب بین المللی سرخورد یافته که با عدول از موازین حقوقی و قانونی و نقض آشکار نظامات حقوق بشری و رسانه ای، این چنین موجبات تاجر رسانه ها، خبرنگاران و مردم را فراهم آورده اند. مراجع ذیربط قانونی مسئول نسبت به حفظ محیط زیست سرخورد، محیط بانان ناقض قانون و اهالی مهاجم و همراه آنها در ارتکاب به بزه های تاسف بار موصوف، نه تنها باید به مردم و رسانه ها و خبرنگاران محترم پاسخگو بوده، بلکه در مسئولیت قانونی سازمان محیط زیست و محیط بانی منطقه و استان و در نتیجه، مسئولیت قانونی سازمان های متبوعه و کشوری آنها و ریاست جمهور به عنوان سیادت و ریاست عالییه نسبت به آن مراجع و نیز از حیث مسئولیت قانونی وی بعنوان مجری قانون اساسی و صیانت از حقوق مردم و شهروندان تردیدی نیست. صرف نظر از وصف کیفری اقدامات محیط بانان و مردان مهاجم به خبرنگاران مصدوم و خون آلود سفر کرده به سرخورد از حیث ایراد صدمه بدنی عمدی و غیر قانونی به آنها، در مسئولیت قانونی آنها از حیث عدم رعایت نظامات دولتی و قانونی و نقض آشکار آنها از سوی آنان نیز نباید تردید نمود؟ به علاوه، تلاش غیرقانونی و بلاوجه آنها برای اخذ قهری امضا و اقرار خبرنگاران مصدوم از حیث جلب انصراف آتی آنها نسبت به شکایت قابل طرح و پیش بینی از سوی آنان نسبت به عملکرد غیرقانونی آنها، همراه با مساعی خلاف قانون آنان برای منتسب ساختن غیرواقع مرگ چند قوی نگون بخت مضبوط نزد آنها به حضور و اقدام حرفه ای آنها و نیز صحنه سازی های تاسف بار و غیر قانونی در این باره، خود از دیگر مبانی مسولیت های غیر قانونی آنها بوده که از موجبات تشدید توامان مجازات آنها از حیث حقوقی و قانونی نیز محسوب می گردد. به راستی، اساساً - این سؤال مطرح است مبنای جذب و استخدام محیط بانان فاقد صلاحیت علمی و اخلاقی و حرفه ای و عدم هرگونه شناخت و اطلاع آنها نسبت به موازین قانونی و نظامات دولتی چه بوده و با کدامین هدف انجام شده است؟ مسئولیت قانونی و حقوقی تعرض به خبرنگاران و نقض قوانین و ایجاد حاشیه های تاسف بار دیگر و مکرر نسبت به رسانه ها و این صنف خدمت چگونه باید ارزیابی و توجیه گردد؟ چرا و با چه هدفی نسبت به ضرب و شتم عکاسان و خبرنگاران معرفی شده از سوی آنها با ارائه کارت خبرنگاری و طی تشریفات قانونی مربوطه، این چنین برخورد شده است؟ مسئولیت مرگ نامعلوم چند قوی مورد صحنه سازی مهاجمان در حمله به خبرنگاران با کیست و چگونه باید بدان و مراجع ذیربط پاسخگو بود؟ چرا و با چه هدفی، مرگ قبلی قوی های موجود نزد محیط بانان برابر قانون به مراجع مربوطه تا قبل از تعرض به خبرنگاران گزارش نشده است؟ چرا در کشورهای پیشرفته و دارای حیات وحش غنی یا حتی در آفریقا، خبرنگاران مورد احترام و ستایش بی پایان در تهیه عکس و خبر و آگاه سازی مردم و جهان قرار گرفته و برنامه های تهیه و تولید شده حاصل از آن مانند " شگفتی های حیات وحش و حیات حیوانات و طبیعت"، همواره پر بیننده ترین مخاطبان خویش را داشته، اما در ایران، به جای شکار لحظه های حیات وحش و تصویر برداری از طبیعت - خبرنگاران رنج آشنای عرصه خبر، فرهنگ و طبیعت - دگر بار، مورد

۶ بازیگر، بار "اطروش" را به دوش می کشند

مهدی رمضانی
کارشناس ارشد تئاتر

تله تئاتر ۱۳ قسمتی اطروش که از تاریخ ۱۶ دی روی آنتن شبکه تبرستان رفته است، محصول تعاملی دوسویه میان

صد او سیمای مرکز مازندران و هنرمندان تئاتر استان است که در جای خود قابل ستایش بوده و بر استمرار این جریان سازنده تاکید می شود.

موضوع فوق، نه تنها لزوم پرداختن به نکات تخصصی این تله تئاتر را منتفی نمی کند، تشریح زوایای پیدا و پنهان اثر و بررسی نقاط قوت و ضعف آن، برای بهره گیری در تولیدات بعدی و تضمین استمرار این جریان، بی هیچ تردیدی ضروری جلوه می کند.

در قسمت نخست از نقد ۴ قسمتی تله تئاتر «اطروش» با عنوان «قاب صحنه به جای قاب تلویزیون!»، با ذکر مقدمه ای از نگاه های موجود در کشور درباره تئاتر تلویزیونی، شیوه کارگردانی و مشخصاً میزانسن های طراحی شده توسط کارگردان این تله تئاتر مورد بررسی قرار گرفت و در قسمت دوم با عنوان «اطروش اتفاق می ماند یا جریان می شود؟» ضمن پرداختن به نحوه هدایت بازیگر توسط کارگردان هنری و چگونگی کادربندی نماها از سوی کارگردان تلویزیونی، جزئیات میزانسن های طراحی شده از سوی کارگردان و بازی های ارائه شده توسط بازیگران مورد بررسی قرار گرفته و محصول آن نیز نقدی صریح بود: «این که «اطروش» بیش از آنکه یک تئاتر تلویزیونی باشد، از قواعد تئاتر صحنه ای بهره برده است.»

در نوشته های پیشین تاکید شد که در تلویزیونی شدن یک نمایش صحنه ای، فاکتورهای متعددی تاثیرگذارند، فاکتورهایی که تبدیل قاب صحنه به قاب تلویزیون، صرفاً با تغییر آنها امکان پذیر است؛ فاکتورهایی تعیین کننده همچون طراحی میزانسن، هدایت بازیگر، جنس بازی ها، گریم، طراحی صحنه و... که هر کدام از آنها می بایست از قالب صحنه ای خارج شده و در قاب تلویزیون گنجانده شوند.

اتفاقی که البته در این تله تئاتر ۱۳ قسمتی رخ نداده و پیش فرض سالن یک سوبه تئاتر و به تبع آن، بازی های رویه دوربین به سبک دهه های قبل، حداقل تا پایان قسمت دهم همچنان برقرار است؛ موضوعی که پس از پخش نخستین قسمت از این تله تئاتر، در اولین نقد مورد تاکید قرار گرفته و تصور شتابزده بودنش را در برخی مخاطبان ایجاد کرد. حال آنکه این رویه در ۱۰ قسمت پخش شده ی «اطروش» به عنوان مبنای فکری و شیوه اجرایی کارگردان ثابت مانده و البته پیش بینی آن در قسمت نخست کار دشواری نبوده است!

در این رابطه علاوه بر مصادیق ذکر شده در قسمت دوم نقد، موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که تشریح آن ضرورتی نداشته و برای مخاطب خاص و عام قابل درک بوده است.

اما باید گفت این پیش فرض اشتباه، علاوه بر صحنه ای کردن میزانسن ها، به صورت اتوماتیک طراحی صحنه ها را نیز تحت تاثیر قرار داده است. به این معنی که تمامی دکورها با طراحی سه ضلع ثابت در چپ و راست و عمق استودیو شکل یافته و دوربین ها نیز تماماً در این سوی ضلع چهارم مستقر شده اند؛ همان سیستمی که در سالن تئاتر قاب عکسی با وجود سه دیوار بر روی صحنه و استقرار تماشاگران در این سوی دیوار چهارم - به عنوان دیوار فرضی حائل - حاکم است.

حال آنکه محدودیت های طراحی صحنه در تله تئاتر به مراتب کمتر از تئاتر صحنه ای بوده و

ساده ترین راه برای ایجاد تنوع بصری، استفاده از تمامی زوایای استودیو برای طراحی صحنه و استقرار دوربین ها در نقاط مختلف آن است، امتیازی که «اطروش» خود را از آن محروم کرده و بی جهت، روشی سخت تر را انتخاب نمود!

صرف نظر از این مشکل بنیادین، طراحی صحنه صورت گرفته در این تله تئاتر از نوعی هرج و مرج نیز رنج می برد؛ نوعی آشفتگی به خاطر استفاده از ابزارهای متعدد که تا حد فراوانی موجب شلوغ شدن بی دلیل صحنه ها شده است. به کارگیری اشیای مختلف در گوشه و کنار صحنه ها، نه تنها امتیازی برای طراحی و اجرای دکور محسوب نمی شود، آسیبی جدی به اثر وارد کرده و آن را تا حد یک مغازه خرازی تنزل می دهد. در حالی که مهمترین اصل در طراحی صحنه نمایش، توجه طراح به عناصر درام در جهت تحلیل اثر بوده و اصول زیبایی شناسی نیز باید با شناخت درست اشیاء و نوع کاربرد و چیدمان آنها رعایت شود.

ضمن اشاره به طراحی برخی از صحنه های بومی نمایش که به واسطه استفاده از ابزارهای واقعی، بهتر از صحنه های دیگر در آمده و البته بررسی دقیق آن به متخصصان معماری و فرهنگ بومی استان سپرده می شود، باید به برخی صحنه های دیگر از جمله دربار شاه سامانی پرداخت که ورودی ها، ستون ها و دیوارهای آن از مشکل تصنعی بودن و اغراق رنج می برند.

نقاشی سنگ ها در دیوارهای کاخ و نقش ستون ها در کنار طراحی ورودی های صحنه، کاخ شاه را که یک پای ثابت بیشتر قسمت های این تله تئاتر بوده است به شکل وصله ای ناجور در طراحی صحنه ها در آورده است.

حتی استفاده از نورهای موضعی و محدود در قسمت هایی از دیوار کاخ به عنوان نور مشعل های روشن، نوعی خودزنی برای این نمایش محسوب می شود.

در حالی که استفاده از مشعل های واقعی بر روی دیوار و انتشار نورهای لرزان در نقاط مختلف کاخ، علاوه بر تقویت فضای تاریخی و کمک به انتقال حس صحنه به مخاطب، طراحی صحنه کاخ را تا حدی از تصنعی بودن و تختی آزار دهنده دور می کرد.

خودزنی دیگر، مربوط به تعبیه نور قرمز در ورودی اندرونی کاخ است و همینطور نور سبز ورودی مسجد ناصرالحق که هیچ تناسبی با نور زرد آتش به عنوان تنها منبع نوری زمان داستان نداشته و در شیوه واقع گرایی به عنوان شیوه اجرایی این نمایش نیز هیچگونه توجیهی ندارد.

همچنین رفتن نور عمومی در صحنه ی مرگ «جنگل» در قسمت هفتم نمایش

و آمدن نور موضعی سفید روی چهره این کاراکتر در شرایطی که نور و سایر عناصر اجرایی در کل اثر، از قواعد اجرایی رئال پیروی می کنند با هیچگونه منطقی سازگار نمی باشد.

چهره پردازی این تله تئاتر نیز به لحاظ تاریخی بودن اثر و تنوع چهره کاراکترها، کاری سنگین بوده است و این کار سنگین، گریمورهایی هم وزن خود را طلب می کند.

گریم در کار صحنه و تصویر از تفاوت های فراوانی برخوردار است که تمامی این تفاوت ها، حول یک محور اصلی یعنی ظرافت کار قرار دارند؛ نبازی به گفتن نیست که هر گونه اغراق و درشت نمایی در گریم چهره بازیگر در یک نمای بسته تلویزیونی، در کسری از ثانیه لومی رود و این اتفاق، بارها در «اطروش» به وقوع پیوسته است؛ از سر تراشیده «صعلوک» گرفته تا سپیدی موی «هرمز» و «ابن لقمان» و ریش های «اطروش» که گویی به تصور تئاتر صحنه ای و فاصله چندین متری تماشاگران، از ظرافت چندانی برخوردار نبوده و دچار درشت نمایی شده است.

در مورد بازیگری به عنوان مهمترین رکن تئاتر و در تکمیل نقد های پیشین باید گفت کار بازیگران در «اطروش» از شرایط متفاوتی برخوردار است.

وجود توامان بازی هایی باورپذیر و اغراق آمیز در کنار هم، این نکته را یادآور می شود که بازی ها در این نمایش بیش از آنکه محصول هدایت و بازی گرفتن کارگردان باشد، نتیجه ی فعالیت موفق یا ناموفق خود بازیگر بوده است؛ چرا که اصل هدایت بازیگر و بازی گرفتن توسط کارگردان، در صورت ارائه بازی هایی همگن و صحیح از سوی تمامی بازیگران قابل قبول خواهد بود.

بازیگران نقش های «اطروش»، «پسنا»، «اسپهید کلار»، «حسن بن قاسم»، «زینت» و «زیور» تا قسمت دهم این تله تئاتر، با خلق لحظات درخشان و تاثیرگذار توانستند موفق تر

از سایر بازیگران ظاهر شده و بازی هایی روان ارائه کنند؛ بازی هایی روان که بار اصلی نمایش را به دوش کشیده و لازم است قوت موجود در این اثر را به پای آنها نوشت.

حال آنکه این اتفاق در مورد سایر بازیگران روی نداده و هر کدام از آنان با مشکلات مختلفی در بازی خود مواجه شده اند؛ مشکلاتی که کارگردان به عنوان مغز متفکر نمایش باید با تعریف اصولی شخصیت و توصیف حالات درونی وی، زمینه ایجاد موقعیت های مناسب توسط بازیگر فراهم می آورد و این امر محقق نمی شد مگر با اشراف کامل بر عناصر درام و شیوه اجرایی و توانایی انتقال آنها به بازیگر...

اگر خط و ربط های ترسیم شده به عنوان میزانسن را در نظر بگیریم، رها بودن بازیگران در این نمایش به خوبی احساس می شود. بدین معنی که کمکی از سوی کارگردان در جهت شناخت کامل شخصیت و کشف ابعاد درونی آن صورت نگرفته و هر کدام از بازیگران بر اساس توانمندی های خود اقدام به تحلیل شخصیت نموده اند.

اینکه احیاناً ضیق وقت و شتابزدگی، دلیل رهاماندن بازیگران در شناخت و تحلیل نقش ها بوده یا اینکه کارگردان ضرورتی در این باره احساس نکرده است، در این نقد نمی گنجد.

اما نکته بدیهی این است که اگر کارگردان هنری بر اصول و رموز کار آشنا باشد می تواند ضعف های موجود نزد سایر عوامل را شناسایی و برطرف سازد. برعکس این قضیه نیز صادق است؛ اینکه اگر چنین نباشد، حتی در صورت وجود عوامل خبره و کاربلد در گروه، به خاطر بهره گیری نا آگاهانه و غیر اصولی از عوامل و ابزار در اختیار، نمی تواند محصولی قابل قبول را ارائه نماید.

و البته کارگردانی تلویزیونی که در قسمت پیشین نقد مورد اشاره قرار گرفت و به همراه متن اثر و جمع بندی مباحث ارائه شده، در قسمت پایانی نیز بدان پرداخته خواهد شد.



نوشته زیر به هیچ وجه به جابه جایی های فله ای و شتاب زده افیور در استان سرسبز و دلاور پرور مازندران ربط ندارد و اصلاً به یک استان خیالی و فضایی و موهوم مربوط است!



یک روز جناح چپ، یک عمر جناح راست!

● سردبیر

به سکه بده بندازم
هوا ببینم کدوم شون
رو امروز جابه جا
کنم، اون یکی رو فردا!
اصلاً ولش کن، جفت شون رو
بفرستید جای همدیگه و خلاص! یه حکم
مشاور هم برآشون بزنید با حفظ سمت!

چشم. دیگه همه جابه جا شدند آقای
رییس! هیچکی نمونده غیر از من وشما! عجب
پروژه نفس گیری بود!

می گم خانم منشی! این جوری نمی شه! من
می خوام تمام کسانی رو که تو این ده روز جابه
جا کردم برگردونم سر جاشون! آخه نمی شه که
من هر لحظه برم تو دفتر تو نگاه کنم تا متوجه
بشم کی رو کجا فرستادم؟! عجب گرفتاری شدم!
ببخشید آقای رییس، می تونم یه ستوال بپرسم؟
بپرس.

چرا این همه نیرو رو ده روزه، به صورت فله ای
جابه جا کردید؟! اگر داشتند خوب کار می کردند
که باید به کارشون ادامه می دادند، اگر هم بد کار
می کردند، چرا رفتند جای دیگه و دارند ادامه می
دن کارشون رو؟ من که متوجه نشدم چرا؟!
راستش خودم هم متوجه نشدم چرا این کار
رو کردم! اما باید به کاری می کردم تا مردم بدونند
من هم هستم دیگه!

نتیجه گیری شعری:

گفتی که "از آن باشد"، گفتم که "از این باشد"
گفتی که "از آن باشد"، گفتم که "از این باشد"
یک نکته بی معنی، گفتیم و همین باشد
در کار گلاب و گل، گفتند که "حکمت چیست؟"
گفتم که "همین خوب است، بگذار همین باشد"
خلقی شده گمراهت، وقتی که به همراهت
یک روز شهین باشد، یک روز مهین باشد
پایت به زمین باشد، دستت به هوا باشد
دستت به هوا باشد، پایت به زمین باشد
یک روز جناح چپ، یک عمر جناح راست
همواره در این کشور، اوضاع چنین باشد!
(بخشی از شعر طنز سعید بیابانکی)

نتیجه گیری کلاسیک:

در روزگار پیشین، "میز" و "منصب" به مردم هم
وعده کردند، هم وفا نمودندی! بعد از آن تنها
وعده کردند و وفا نمودندی! امروز نه وعده
کندی و نه وفا!

نتیجه گیری گلستانی (کتاب خواهر سعدی!):
مریدی گفت پیر را، چه کنم کز خلاق به رنج
اندرم از بس که به زیارت من همی آیند و اوقات
مرا از تردد ایشان تشویش باشد؟
گفت: هر چه درویشانند مر ایشان را "میز" ی بده
و آن چه مدیرانند از ایشان "میز" شان را بخواه که
دیگر یکی گرد تو نگرند.

بگید یادداشت کنم!

ببین خانم منشی، همون بار اول که گفتم
سریع به ذهنت بسیار، من خودم نفهمیدم چی
گفتم! الان دوباره بخوام بگم قاطی می کنم!

پس به کاری می کنیم آقای رییس! شما که
دارید پیشنهاد جابه جایی همکارا رو می دید، من
صدائتون رو بارگوردر ضبط می کنم، بعد پیاده می
کنم! این قدر حجم عزل و نصب ها زیاد شده که
خود اون بنده خداها نمی دونند چی کاره
شدند! امروز آقای نیلی اومده بود اداری-مالی،
ساعت ۱۰ یه یه یادش اومد که ای بابا از دیروز شده
مشاور و دیگه معاون اداری-مالی نیست!
خواست بره اتاق مشاوران که من حکم معاونت
انبار رو دادم بهش! بیچاره گیج شده بود که کجا
باید بره! می گفت امشب به عیالش می سپاره که
فردا صبح یادش بندازه کدوم واحد بره، تو این دو
روزه، سه بار حکم جدید بهش دادیم!

خانم منشی، به صمد بگو یه چایی واسم بیاره
کف کردم از بس پشت سر هم حکم امضا زدم!
صمد که دیگه تو آبدار خونه نیست آقای
رییس! شما دو روز پیش برآش حکم زدید که بره
امور عمومی!

آره یادم اومد! به جاش کی رو آوردیم آبدار خونه؟
بذارید تو دفترم نگاه کنم... آبدار خونه...
صمد خانگلی رفت به امور عمومی... جاش
خسرو پذیرا اومد!

پس به خسرو پذیرا بگو چایی بیاره واسم... نه
نمی خواد، یه فکری همین الان به ذهنم
رسید، واسه پذیرا حکم می زنم بره امور نقلیه
جای خلخالی، بعد خلخالی بیاد جای این تو
آبدار خونه.

خلخالی پسرعموی منه آقای رییس، این یکی
رو بدون نگاه کردن به دفترم می تونم بگم که سه
روز پیش فرستادید دبیر خونه! یادتون نیست؟
الان تو نقلیه کردستانی مسئوله!

دیگه اعصابم داره خورد می شه، چقدر قر و
قاطی شد همه چی! اصلاً من این جا خودم
چیکاره ام؟! احياناً با کسی که جابه جان شدم؟!
فعلاً نه! هر چند شایعات زیاده که شمارو هم
می خوان جابه جا کنند! می گم این جا فقط
آقای یونس تبار مونده و آقای ساکت، این دو تا
رو جابه جانمی کنید؟

رییس: دستور کار امروز چیه خانم منشی؟

منشی: هر چی شما بفرمایید آقای رییس. امر،
امر شماست.

پس امروز انتصاب می فرماییم!

اما دیگه کسی باقی نمونده که شما جابه جا کنید!
در عرض ده روز شما کلهم همه رو جابه جا کردید
نه باز مونده، دیشب موقع شام یه یه یادم اومد که
زینی رو از واحد تدارکات بفرستم واحد ابتکارات
جای خانم بیبا، بعد خانم بیبا رو بفرستم واحد
ارجاجات جای آقای لواسانی، لواسانی رو بیارم
جای زینی تو تدارکات. این جابه جایی لازمه!

اما آقای رییس، شما تازه پریروز زینی رو از
موتوری آوردید تدارکات، یادتون رفت؟

راست می گی؟! این قدر این روزا مدیر جابه جا
کردم و حکم زدم که قاطی کردم خودم! پس واسه
اون پسر نباتی حکم می زنم بره ابتکارات جای
خانم بیبا. چک کن بین دو، سه روز گذشته واسه
نباتی حکم زنده باشم!

الان بررسی می کنم، این قدر جابه جایی
داشتیم که خودمون یادمون رفت کی رو کجا
فرستادیم... بذار دفتر رو ببینم... حرف ن...
نباتی... آقای رییس شما اون هفته نباتی رو
مشاور امور خزانه کردید.

ای بابا! اینم که قبلاً جابه جا شده، حالا اشکال
نداره، با حفظ سمت بفرست بره سرپرست امور
ابتکارات بشه.

اون وقت خانم بیبا چی؟ نیروی قدیمی ماست.

ببینارو واسش حکم بزن
مشاور من بشه! مشاور
یک روزه! فردا یک پست
واسش پیدا می کنم. الان واسش
بزن مشاور من، فردا برآش حکم می
زنم بره اداره امور آب و نان!

توی اداره امور آب و نان که تازه دیروز آقای
گلی اومد، یادتون نیست؟ جای آقای لواسانی
ارجاجات!

اشکال نداره، برای گلی حکم می زنم بره جای
اول خودش تو ارجاجات، واسه لواسانی هم حکم
می زنم بره ابتکارات، خانم بیبا هم بیاد این جا امور
آب و نان!

نفهمیدم چی شد! یک بار دیگه می فرمایید توی
حکم چی بنویسم؟ کی رفت جای کی؟ یواش تر

برخورد فیزیکی

کیشو: برخورد فیزیکی با عکاسان و
خبرنگاران در تالاب سرخورد و حوادثی نظیر
آن و طرح گسترده موضوع برخورد فیزیکی با
برخی متهمان توسط مردم و مسئولان، علت
سرودن این چند خط شعر انتقادی در مذمت
این گونه رفتارهاست. امید است روزی برسد
که قانون جای خودسری بنشیند.

خوب است که برخورد فیزیکی نکنید
بامتهمان جنگ چریکی نکنید!
تاثیر به روی مجرمین بگذارید
در خدمت شان حمله شریکی نکنید!
گر خواست که از دست شما بگریزد
اردنگ نثار خیک خیکی نکنید!
تقدیم به قوم و خویش نادیده او
الفاظ بد و حرف رکیکی نکنید!
عکاس خبرگزاری دولت را
مجروح قیام بلشویکی نکنید!
برمتهم عینکی روشنفکر
چون بی گنه است، غیر نیکی نکنید!
با چوب و چماق بر سر اهل قلم
رزم "کجکی"، جنگ "کچیکی" نکنید!^(۱)
قوهای پناه جوی خوش باور را
تقدیم مقام شیک و پیکی نکنید!
برمتهم هیکلای دانه درشت
هرگز خدمات تاکتیکی نکنید!

در روز یواش ترک خدمت نکنید
خور خور به شب گشت کشیکی نکنید!
هنگامه خشم با نفس های عمیق
آرام شوید و جیک جیکی نکنید!
گویید: "که ای آدمیان جنگل را
قربانی گاز پیک نیکی نکنید!"
"باغات و زمین های کشاورزی را
بازیچه بیل هیدرولیکی نکنید!"
"دریاچه قوشده است تالاب و در آن
پخش نغمات سمفونیکی نکنید!"
"از روی علاقه بی هوا قوهارا
مقتول شوک الکتریکی نکنید!"
این ها همه طنز بود بعد از خواندن
از شوق به سمت ما شلیکی نکنید...

۱- "کجک" در مرکز مازندران و "کچیک" در غرب مازندران
و شرق گیلان به معنای چوبدست است



یادداشت کاربران

درباره عزل و نصب های اخیر
با چراغ خاموش

تغییر و تحول در استان از جایی رقم خورد که استاندار مازندران طی نامه ای به معاون حقوقی، مجلس و امور بین الملل وزارت کشور به سوالات مطرح شده از سوی نمایندگان مردم مازندران در مجلس شورای اسلامی پاسخ داد. بعد از آن بود که با قانع نشدن نمایندگان از توضیحات طاهایی، او و معاونانش را به مجلس کشاندند. بعد از نارضایتی نمایندگان از حضور نیافتن وزیر کشور، بالاخره با حضور نجار، استاندار به همراه معاونان خود به مجلس آمد تا در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی پاسخگوی عملکرد خود باشد. کار به همین جا ختم نشد و نمایندگان باز هم قانع نشدند و بارها هم در مصاحبه ها و رسانه ها عنوان شد که هنوز هم پیگیر موضوع هستند. استانداری اما بعد از پیگیری های نمایندگان تغییر رویه داد تا کمی از فشارها کاسته شود. او در سکناس اول این سناریو، رجبی فرماندار میاندرود را به ناکاربرد و آزادی کناری فرماندار نکا را به استانداری فراخواند. قضیه به همین جا ختم نشد و طاهایی ناگزیر البرزی را هم از سمت فرمانداری به شهر عزل کرد تا نماینده این منطقه را به نوعی راضی کند. تغییرات ادامه پیدا کرد و جایجایی های مکرر در سطح فرمانداری ها کلید خورد. در آخرین واکنش سیدعباس حسینی نژاد فرماندار سابق ساری در مراسم تودیع خود از نگرانی مردم به دلیل جایجایی در سطح فرمانداری ها خبر داد. در ادامه فرمانداران نور و محمود آباد هم جای خود را به علی محمد صمدی و مشایخی دادند - که این دومی چند روز قبل از آن و پس از عزل، به عنوان مشاور طاهایی معرفی شده بود - البته طی هفته های اخیر تغییر فرمانداران در سطح استان های گلستان، گیلان و تعدادی از استان های دیگر کشور نیز در دستور کار قرار گرفت و این موضوع می رساند که طرح تغییر فرمانداران تنها به خاطر فشار مجلس نشین ها نباید باشد. طاهایی در مراسم تودیع و معارفه واحدی - فرماندار جدید ساری - حرف های تامل برانگیزی زد. وی تغییر و تحولات را امری عادی قلمداد کرد و گفت: باید این تغییرات را بپذیریم. استاندار مازندران به همین هم اکتفا نکرد و بیان اظهار نظری که اطلاع دقیق از دلیل تغییر و تحول وجود نداشته باشد را غیبت دانست و گفت: اسلام نیز شرایط غیبت کننده را به خوبی مطرح کرده است. وی همچنین بیان اظهار نظرها در مورد هدفمندی یارانه ها را هم به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: خیلی ها نمی دانند هدفمندی چیست، وقتی در مورد مسئله آگاهی کافی وجود ندارد اصراری نیست که اظهار نظر شود. این اظهار نظر در حالی است که ابراهیمی معاون سیاسی و امنیتی استانداری - در نشست روابط عمومی های استان خواستار توضیح مسئولان به پرسش ها و نقدهای رسانه ها شده بود. از سوی دیگر نمی توان این تغییر و تحولات گسترده را بی ارتباط به قضیه انتخابات دانست چرا که عده ای از طیف سیاستمداران نزدیک به احمدی نژاد در حال حرکت با چراغ خاموش اند. نطق سید رمضان شجاعی کیاسری نماینده مردم ساری و میاندرود را در خرداد سال ۹۰ در مجلس شورای اسلامی نباید از نظر دور نگه داشت. وی که جزو مدافعان احمدی نژاد محسوب می شد در یک حرکت تاکتیکی از برخی مواضع او اعلام براءت کرد و خطاب به وزیر کشور اظهار داشت: آقای وزیر کشور چرا حکم شما برای استانداری مازندران با دستور جریان انحرافی و رمل و اسطربلاب، کان لم یکن می شود؟ تصمیمات وزارت کشور را چرا در جای دیگری می گیرید؟ این برخلاف سخنان رهبری در پرهیز از دخالت برخی جریانها انحرافی در انتخابات نیست؟

گردکوه باستانی، قبل از کاوش



بچه سرراهی!

عکس ها: تقی عشوری سنگدهی (فتو البرز قائم شهر)

تپه باستانی گردکوه کاملاً به صورت سکویی بنا شده و سازه کشف شده بی نظیرترین سازه خشتی کشور از نظر ساخت و نوع مصالح به کار گرفته شده است. وجود خندق هایی در حاشیه تپه باستانی گردکوه، نظامی بودن این منطقه اثبات می کند. به هر روی کار کاوش در آن مرحله به پایان سید و گردکوه دوست داشتنی ماند با زخم های کاوش و تجهیزاتی که روی آن نصب شد. حالا دیگر گردکوه، نمای زیبا و وحشی سابق را ندارد و روی آن پلکان گذاشته اند و سال هایی که خواهد آمد دیگر گردکوه، تپه نوستالژیک کسی نخواهد شد.

زمان گذشت و روز به هفته و هفته به ماه و ماه به سال بدل شد تا این که اندک اندک سارقان و دله دزدان به دستبرد وسایل موجود پرداختند. اهالی بارها موضوع را به مراجع یاد آور شدند، حتی به شخص مدیرکل سازمان میراث استان که او هم کار را به رییس میراث در قائم شهر احاله داد و... هیچ!

گردکوه شده است بچه سرراهی و اینک هرکس هر بلایی بخواهد سرش درمی آورد. حال تصویر زشت و ناموزونی از گردکوه داریم که در عکس های زیر کاملاً گویاست.

پیش بینی دکتر منوچهر ستوده دارد درست از آب درمی آید که: "طولی نخواهد کشید که این تپه قدیمی محو و نابود خواهد شد."



گردکوه باستانی، بعد از کاوش



گردکوه باستانی، حین کاوش

مدیر کل پزشکی قانونی استان خبر داد
مرگ بیش از ۶۶۹ نفر در حوادث رانندگی
۹ ماه امسال در مازندران

مدیر کل پزشکی قانونی مازندران از مرگ بیش از ۶۶۹ نفر در حوادث رانندگی نه ماه سال ۹۱ در استان خبر داد.

دکتر علی عباسی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه مازندران، افزود: در ۹ ماه نخست امسال ۶۶۹ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست داده اند که این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه سال گذشته که ۷۲۳ نفر در تصادفات رانندگی کشته شدند، هفت درصد کاهش را نشان می دهد. وی ادامه داد: ۵۳۵ نفر از تلفات رانندگی نه ماهه اول امسال مرد و ۱۳۴ نفر زن بودند. در این گزارش بالاترین آمار تلفات حوادث رانندگی به ترتیب شهرستان ساری با ۱۰۹ نفر و آمل با ۹۰ نفر بیشترین کشته و شهرستان عباس آباد با هفت نفر کمترین کشته را داشته است. همچنین در ۹ ماه نخست امسال، آمار ۱۴ هزار و ۳۰۰ نفر مصدوم حوادث رانندگی در پزشکی قانونی استان ثبت شده که در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل، ۳ درصد رشد یافته است. از مجموع کشته شدگان حوادث رانندگی ۴۵۲ نفر در جاده های برون شهری، ۱۷۶ نفر در جاده های درون شهری، ۴۱ نفر در جاده های روستایی ثبت شده است.

